



اسنادی از واقعه کشف حجاب

گروه پژوهش بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

هان ز اغیار بیوشان رخ زیبا زنه‌ار

نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست^۱

واقعه کشف حجاب در دوران پهلوی را باید تلخ‌ترین و شقی‌ترین اقدام رژیم پهلوی در تجاوز به حقوق و آزادی‌های ملت ایران، به خصوص زنان کشور دانست. به رغم این که بیش از ۸۶ سال از این واقعه خیانت‌بار و پلید در حکومت رضاخان گذشته است، هنوز زوایای پنهان و ناگفته‌های زیادی پیرامون آن وجود دارد. یکی از عمده‌ترین دلایل پنهان ماندن این واقعه دردناک، که آثار خیانت‌بار آن هنوز بر روح و روان جامعه چنگال می‌کشد، سیطره مطلق مورخان استبدادپرست، فرهنگ‌ستیز و دین‌گریز تا قبل از انقلاب اسلامی، بر تعلیم و تربیت و تمام ارکان فرهنگی جامعه بود.

اگر چه بعد از انقلاب اسلامی آثار آگاهی‌بخشی از اهداف و برنامه‌های کشف حجاب

۱. مهدیق‌لی خان هدایت، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۴۰۹.



و جریاناتی که در کنار استعمار انگلیس و استبداد رضاخانی از آن حمایت کردند یا در مقابل آن ایستادگی نمودند، منتشر شده است اما چون هنوز آثار آن جنایت عظیم که در ایران اتفاق افتاد، به عنوان یکی از زخم‌های مزمن فرهنگی جسم و جان جامعه ایران را مکدر می‌سازد پرداختن به آن یک امر ضروری است.

عده‌ای تا به امروز تلاش کردند داستان کشف حجاب در دوره رضاخان را به سطح یک تقلید ساده از سفر رضاخان به ترکیه تنزل داده و این اقدام را فارغ از سیاست‌های فراماسونری-صهیونیستی نظام سرمایه‌داری جهانی و صرفاً یک اقدام محلی توصیف کنند. اما حتی اگر در مقابل روش‌هایی که نظام‌های فراماسونری غربی (در رأس آنها انگلیس و روسیه و فرانسه و آمریکا) در دویست سال گذشته، برای تخریب بسیاری از سنت‌های انسانی و مرفقی و وحدت‌بخش مسلمانان اتخاذ کردند، چشمان خود را ببندیم و از ترس این که ما را متهم به توهم توطئه نکنند از آن طرف بام نیفتیم و تمام این سیاست‌ها را به خیرخواهی و ترقی‌خواهی و دموکراسی‌پرستی و حقوق بشر غربی‌ها تأویل کنیم، باز هم دلیل کافی برای نادیده گرفتن خیانت‌های رضاخان و رژیم پهلوی و غرب پرستان حامی وی در دست نداریم. مخصوصاً در آنجایی که این رژیم پلید و پلشت برای تحقیر زنان ایرانی و توهین به پوشش ملی و مذهبی ایرانیان، دستور داد بی‌حجابی برای زنان بدکاره و فاسد و مشهور، ممنوع بوده و این زنان حق کشف حجاب نداشته باشند و باید با حجاب و چادر در مجامع عمومی ظاهر شوند.

عده‌ای که امروز نظام جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که نسبت به زنان ایران حقوق اجتماعی را رعایت نمی‌کنند اینها پسمانده‌های همان کسانی هستند که وقتی دولت رضاخان چنین دستورات پستی را صادر کرد و میلیون‌ها زن عفیف و شریف ایران را هم‌تراز بدکاره‌ها و زنان فاسد قرار داد نه تنها از حقوق زنان دفاع نکردند بلکه با تشویق و هورا کشیدن برای این دیکتاتور جنایتکار، وی را در انجام چنین دستورات رقت‌باری، همراهی کردند. این دستورات که در بخش اول خواهد آمد، نمونه‌ای از صدها دستوری بود که نشان



می‌داد داستان کشف حجاب در دوره رضاخان و بعد از آن، صرفاً یک تقلید ساده و بدون پشتوانه ایدئولوژیک نبود و ربطی به سفر رضاخان به ترکیه نداشت بلکه همان‌طوری که کارگزاران رژیم رضاخان که در جنایت‌ها و خیانت‌های او سهیم بودند، مثل محمدعلی فروغی، مهدیقلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه)، علی‌اصغر حکمت و دیگران گفتند، به دستور اربابان رضاخان قرار بود در ایران، عفت و ناموس زنان فدای تجارت اربابان جهانی گردد. برای این که متوجه شویم داستان کشف حجاب زنان در ایران از ابتدای حکومت رضاخان یکی از چندین سیاست‌هایی بود که استعمار انگلیس به مزدوران خود در ایران که دور و بر رضاخان بودند، دیکته کرده بود تا به دست یک سرباز بی‌سواد قلدر، ایران را برای مستعمره شدن بی‌چون و چرا آماده کند به خاطرات مهدیقلی‌خان هدایت مشهور به مخبر السلطنه در کتاب *خاطرات و خطرات رجوع می‌کنیم*.

وی می‌نویسد:

در سنوات ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ش، ملکه (زن رضاخان)، ترویج «دکته»^۱ می‌کرد و منع چادر نماز، عیال من که به اندرون می‌رفت و چادر نماز داشت مورد ایراد می‌شد آخر ترک رفتن نمود. اواخر ریاست من (۱۳۱۲) در جلسه‌ای از جلسات هیئت دولت که اسهام صادر و وارد محدود می‌شد^۲ تیمورتاش کلاه زنانه را داخل امتعه (کالا) مجاز کرد. گفتیم چه حاجت؟ گفت لازم می‌شود. گوشه پرده پروگرام بالا رفت. قصد من از پروگرامی که به شاه عرض کردم این بود که به جای چادر روپوش نجیب و محترمی برقرار شود که زینت زن جز صورت و کفین پوشیده باشد. چنان که در مکه دیده بودم و در شرع مقرر است. بالجمله امر صادر شد که از اول فروردین ۱۳۱۴ مرددا کلاه فرنگی (کلاه لگنی) بر سر بگذارند و زنها چادر را ترک کنند. کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت را...^۳

مهدیقلی هدایت که در آن دوران نخست‌وزیر رضاخان بود اقرار می‌کند برداشتن چادر از سر زنان را او به رضاخان پیشنهاد داد و همه این ماجراها به قبل از سفر رضاخان به ترکیه برمی‌گردد. بنابراین نمی‌توان کشف حجاب را در ایران صرفاً یک تغییر فرهنگی دانست بلکه دستوری بود از اربابان رضاخان که فرهنگ، اقتصاد، تجارت و سیاست ایران را دگرگون

۱. لباس زنانه‌ای که قسمت بالای سینه آن باز است. کلمه decollete در اصل فرانسوی است و به معنای قسمت بالایی زن (گردن، شانه و سینه) می‌باشد.

۲. سهم واردات و صادرات مشخص می‌شد.

۳. مهدیقلی‌خان هدایت، همان، ص ۴۰۷.



می کرد. هدایت می نویسد:

صرف نظر از مراتب دیگر، دوام عبا و چادر روی اقتصاد بود. هر که هر چه داشت مستور بود... رفع حجاب رفع حجب و حیا زندگانی را خراب کرد. در اروپا عفت و ناموس را فدای تجارت کرده اند زن را مضطر می خواهند که اجرت کمتر بدهند... معاشرت ها امروز مخل آسایش، مضر اقتصاد و مخرب اخلاق است...^۱

داستان واقعی کشف حجاب در ایران و سایر کشورهای اسلامی از جمله در ترکیه همین بود که مخبر السلطنه گفت؛ نابودی آسایش خانواده ها و جامعه، از بین بردن اقتصاد متکی به خانواده که رکن اصلی و اساسی اقتصاد مستقل و غیر وابسته در ایران بود و از همه بدتر تخریب مطلق اخلاق فردی و اجتماعی. به قول هدایت:

بعد از واقعه کشف حجاب، مردان بی ناموس و متملقان چاپلوس، زن های خودشان را به مجالس رقص برده و به الدنگ ها سپردند... قبیح ترین زندگی پاریس و مرکز فواحش امروز مصدر زندگی تهران شده است. البته به شهرهای دیگر به نسبت اسباب بی سرایت نمانده هجوم مردم ولایات به تهران و تنگ شدن عرصه بر اهالی روی همین ولنگاری ها است.^۲
آنچه در تعدیل صادر و وارد رشته بودیم، به حمله کفش و کلاه چله شد. پولمان را می خواستیم طلا کنیم هبا (نابود، تلف، ضایع) شد. بلجمله نطق ها کردند و قصائد سرودند و ریشه عصمت و عفت را دریدند...^۳

دنیا چهار نعل در حال تغییر و دگرگونی بنیادی بود ولی «جوشنفرانی» ایرانی به جای بیدار کردن عقل ملی و کمک به آزادی و استقلال ملت ایران، در پی کفش و کلاه و چادر و عبا ی مردم بودند. به قول آیت الله کاشانی، ملت از هر حیث دچار ذلت و شدت و محنت و دولت متعرض چادر و کشف عورت، جنایت کشف حجاب در دوره پهلوی نه با قانون، نه با عقل و نه با انصاف قابل تحلیل نبوده و نیست.

۱. همان، ص ۴۰۶.

۲. همان، ص ۴۰۷، ۴۰۹.

۳. همان، ص ۴۰۹.

(سند شماره ۶۰۱)

۲۲/۲/۱۴

وزارت داخله

سیاسی

عجب است با این وضعیات ناهنجار مملکت که ملت از هر حیث دچار زحمت و شدت و محنت است در گیلانات مأمورین شهربانی و فرمانداری متعرض چادر زنهای بیچاره که سترعورت و زندگی لباس خود را به آن می نمایند با کمال سختی و شدت می شوند، معلوم نیست این تعدی و اجحاف مطابق کدام قانون و عقل و انصاف می باشد اهالی شرحی به این جانب و ریاست وزراء نوشته اند که بعضی آنها تقدیم، مقتضی است معجلاً دستور جلوگیری داده شود که مزاحمت ننمایند. انتظار نتیجه را دارم.

سید ابوالقاسم کاشانی امضاء



اینها گوشه‌هایی از ماجرای کشف حجاب بود که تا حدودی در اسناد این بخش نشان داده می‌شود. این اسناد در سه قسمت تنظیم شده است. اگرچه بخشی از این اسناد در حدود سی سال پیش به صورت پراکنده منتشر شده است لیکن انتشار منسجم و منظم آن به نسل امروز کمک می‌کند تا هر چه بیشتر علت نفرت مردم از رژیم پهلوی و بلایی که این رژیم بر کشور وارد کرد را بهتر درک کنند. آنهایی که فضای زندگی دوران ستمشاهی را حس نکردند شاید به راحتی نتوانند درک کنند که چه دوران غم‌بار و سیاهی بر این ملت گذشته است. کسانی که امروز جمهوری اسلامی را به استبداد متهم می‌کنند اگر می‌خواهند معنای واقعی استبداد را درک کنند متن این اسناد را به دقت مطالعه کنند تا بدانند استبداد چیست و چگونه سایه سیاه خود را بر تمام ارکان زندگی مردم گسترده می‌کند؛ به گونه‌ای که حتی کسی جرئت نکند یک مکاتبه عادی با خانواده خود داشته باشد.^۱

اسناد بخش اول مربوط به حجاب زنان بدکاره و مراوده با آنها و حضور آنها در مجامع عمومی است.

بخش دوم این اسناد مکاتبه یکی از افسران رژیم پهلوی با خانواده خود درباره کشف حجاب و برخوردی که حکومت پهلوی با وی کرده، می‌باشد.

اسناد بخش سوم مربوط به گزارش‌های شهربانی درباره واعظ مشهور دوران پهلوی مرحوم حسنعلی راشد در خصوص واقعه کشف حجاب است.



۱. بخش قابل توجهی از اسناد این مجموعه از منابع زیر استخراج شده است و بخشی هم مربوط به آرشیو بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی است. برای مطالعه بیشتر رک: خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۱؛ واقعه کشف حجاب، به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش‌ها و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱؛ تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.



این اسناد بیانگر آن است که رژیم پهلوی و کلیه کارگزاران و اربابان وی از اساس با عفت و حیا و شرافت زنان ایرانی که تجلی در چادر دارد، مسئله داشته‌اند. امروز همان داستان به شیوه‌های دیگری در جامعه مادنبال می‌شود. آنهایی که با حجاب و چادر مسئله دارند دانسته یا نادانسته در میدانی بازی می‌کنند که سازمان‌دهندگان این میدان به آزادی، استقلال، عزت و عفت، پاکدامنی، کرامت و رشد و ارتقای زنان ایرانی اعتقادی ندارند. آنها از همه واژه‌های زیبا و فریبنده استفاده می‌کنند تا چادر را که نماد استقلال و آزادی و آزادی زن ایرانی است، از سر وی بردارند و دوباره از زن به عنوان یک کالای مصرفی در بازار کار و سرمایه استفاده نمایند. زن ایرانی در دوران پهلوی باید نیمه‌برهنه در مقابل دوربین بنگاه‌های تبلیغاتی ده‌ها پشتک‌وارو می‌زد تا فلان کمپانی وابسته به صنایع مونتاژ غربی در ایران آدامس خروس‌نشان یا فلان تلویزیون و بهمان پنکه را می‌فروخت. هر انسان عاقلی می‌داند داستان حجاب در ایران داستان دربند بودن و آزاد نبودن زنان نبوده و نیست؛ بلکه به اقرار بعضی از کارگزاران رژیم حقیر پهلوی داستان ترویج فساد و به‌هم‌ریزی اقتصادی و فضا سازی برای کالاهای مصرفی نظام سرمایه‌داری بود. اسناد این بخش نمونه‌های بسیار کوچکی از این مبارزه نابرابر میان زن ایرانی با نظام سرمایه‌داری غرب و نوکران آنها در ایران است که امیدواریم به فهم تاریخ این دوران کمک کند.

۱

کشف حجاب زنان شریف و حجاب اجباری زنان بدکاره!

غم‌انگیزترین ماجرای کشف حجاب در دوران استبداد رضاخانی در آنجایی خودنمایی کرد که از سوی حکومت دستور داده شد زنان معروفه (بدکاره و فاسد) حق ندارند کشف حجاب کرده و بدون چادر در مجامع عمومی حاضر شوند. عجیب‌تر آن که اغلب کسانی که واقعه کشف حجاب را مورد بررسی قرار دادند عموماً از کنار این اقدام ناجوانمردانه حکومت رضاخان به راحتی گذشته و بدان نپرداخته‌اند. اقدامی که وقیحانه میلیون‌ها زن ایرانی پاک سرشت و پاک طینت و عفیف را که حاضر نبودند عفت و شرافت خود را هزینه خوی استبدادی و استعماری نظام سرمایه‌داری نمایند و از حجاب خود دست بردارند، هم‌طراز زنان بدکاره و فاسد قرار داد.

اگر رژیم پهلوی در دوران سیطره‌ننگین رضاخان، هیچ جنایت و خیانتی مرتکب نشده بود، همین بخشنامه که میلیون‌ها زن ایرانی را فقط به جرم حفظ عفت و شرافت، همسان زنان فاسد قرار داد، برای منفور شدن در تاریخ این ملت باید کافی دانست.

در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۴ یعنی حدود بیست روز قبل از ابلاغ رسمی کشف حجاب

توسط حکومت رضاخان، محمود جم وزیر داخله و رئیس الوزراء این دوران، ابلاغی به کلیه وزارتخانه‌ها صادر می‌کند که در انتهای این ابلاغ آمده است:

... از دخول بعضی عناصر بد و زن‌های بدسابقه در این قبیل مجامع (مجامع عمومی و سایر مجامعی که توسط بی‌حجابها برگزار می‌شود) باید ممانعت شود. حتی اگر فواحش به کشف حجاب احترام نمایند باید قویاً جلوگیری شود که صدمه به این مقصود مقدس نزنند.^۱

(سند شماره ۳۰)

تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۴

وزارت کشور

در تعقیب متحدالعمال نمره ۱۴۴۲، لزوماً تذکر می‌دهد اصلاح وضع نسوان و تربیت آنها یکی از مهمترین اصلاحات اجتماعی به شمار می‌رود. مادامی که نصف جامعه مستور و از برکت علم و تربیت و زندگانی اجتماعی خارج و دور باشد، به اصطلاح عوام (ضعیفه) ناقص‌العقل پیش نبوده، مانع ترقیات و تمدن مملکت خواهند بود.

بنابراین در درجه اول حکام و مأمورین دولتی که عهده دار اداره کردن حوزه مأموریت خود می‌باشند، باید به تمام معنی به اهمیت این معنی پی برده، خود را آماده و وظیفه دار اجرای این منظور بدانند و با یک عزم راسخی در پیشرفت آن کوشش نمایند. زن جاهل و پرده نشین قادر به حفظ حیثیت و شرافت خود نبوده، همیشه دستخوش مردها بوده و نمی‌تواند کمکی برای عائله و شوهر خود باشد. دائماً محتاج به یک قیم و صاحبی خواهد بود. اگر زن تربیت شده و داخل اجتماع باشد بهتر می‌تواند امور خانوادگی و منافع خود را اداره کند و پشتیبان حقیقی برای مرد خود باشد. برای حصول نتیجه مطلوبه، اقدام به این منظور باید بدو از محیط معارف اقدام، یعنی ابتدا از مدیره‌های دبستان‌ها و محصلات شروع شده و به سایر طبقات بسط پیدا نماید. در این باب، دستور جامعی به رؤسای معارف هر محل از طرف وزارت معارف داده شده است. طرز عمل باید طوری باشد که پیشرفت مقصود دائماً تأمین شده باشد. در مرتبه اول باید دبستان‌ها و مدارس دخترانه شروع و مأمورین دولتی اقدام و مجالسی یا خانواده‌های محترم و تربیت شده تشکیل داده، با نهایت متانت با دادن کنفرانس‌ها و مذاکرات مفیده اخلاقی راجع به عفت و پاکیزگی و صحت عمل و سادگی در لباس مقصود خود را پیش ببرند. مخصوصاً توجه و تأکید می‌شود که باید از تولید رقابت بین خانم‌ها در موضوع لباس و مد احتراز شده و مزایای سادگی لباس و تحمل را با دادن سرمشق و بیانات مقتضی گوشزد نمایند، ... رقابت و تعقیب کردن مدهای خارجه تولید خرج زیاد و خانه خرابی خانواده‌ها نتیجه نخواهد داشت، مخصوصاً مأمورین باید کوشش نمایند که مقصود از این اقدامات تقلید صرف اجانب نیست بلکه منفعت عائله‌های ایرانی و مملکت آن را ایجاب می‌نماید که خانواده ایرانی هم روی پایه محکم علم و

۱. واقعه کشف حجاب، همان، ص ۹۶.



دانش و ملکات اخلاقی و دولتخواهی گذارده شود، از دخول بعضی عناصر بد و زن های بدسابقه در این قبیل مجامع باید ممانعت شود، حتی اگر فواحش به کشف حجاب احترام نمایند، باید قویاً جلوگیری شود که صدمه به این مقصود مقدس نزنند. از طرف دولت برای همکاری و تقویت پیشرفت این منظور به شهربانی های ولایات دستور داده شده است. جریان امر را مرتباً راپرت دهید.

وزیر داخله و رئیس الوزرا

محمود جم

۱۴۴۲

متحدالمال به حکام

موضوع کشف حجاب باید از طرف حکومت و شهربانی تقویت شود، بدون آنکه کسی را مجبور به کشف حجاب نمایند و اگر کسی از وعاظ یا غیره مخالفت یا اظهاراتی برضد بنماید، فوراً توسط شهربانی جلب و تنبه شود. اقدامات باید خیلی با متانت و عاقلانه باشد. جریان پیشرفت امر را مرتباً رمزاً اطلاع بدهید.



مع ۷-۴۰ ماه ۱۳۰۴

حاره عم ۱۹۰۰

Copyright © 2004 John Wiley & Sons, Ltd.

وزارت کشور

ادارہ • اعلیٰ درجہ کی تعلیم اور تحقیق کے شعبہ کے سربراہان کی طرف سے

[illegible]



وزارت کشور

اداره

تاریخ ماه ۱۳۰۰

شماره

پیوست

جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی و هیأت وزیران
مجلس شورای ملی و هیأت وزیران و سایر مقامات محترم
مجلس شورای ملی و هیأت وزیران و سایر مقامات محترم

درود و احترامات

محمد

۱۳۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
و الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفنا
وآئتنا في حلال حلال
وآئتنا في حلال حلال



این بخشنامه‌ای بود که در صدر ابلاغیه‌های رژیم رضاخان در مسئله کشف حجاب قرار دارد و به طور طبیعی تمام کسانی که قبل و بعد از انقلاب ماجرای تغییر لباس و کشف حجاب را مورد بررسی قرار دادند به خاطر اهمیت این ابلاغیه و سایر اسناد مشابه باید آن را در صدر بررسی‌های خود قرار می‌دادند؛ لیکن حتی اشاره کوچکی نیز به آن نداشتند. نه نویسنده کتاب علما و رژیم رضاشاه،^۱ نه نویسنده کتاب کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها^۲ و نه دیگران اشاره‌ای به این اسناد نداشتند. از همه عجیب‌تر این که نویسنده کتاب کشف حجاب می‌نویسد: «بخشنامه کشف حجاب بر خلاف قانون اتحاد شکل البسه که هشت طبقه را مستثنی کرده بود برای هیچ کس استثنایی قائل نشد.»^۳ این در حالی است که ابلاغیه محمود جم و اسناد بعدی که در ادامه خواهد آمد نشان می‌دهد زنان بدکاره و فاسد حق کشف حجاب نداشتند و نه تنها از قانون کشف حجاب معاف بودند بلکه اگر کشف حجاب می‌کردند به شدت با آنها برخورد می‌شد و این ظالمانه‌ترین واکنش رژیم پهلوی در شکستن سد مقاومت زنان و تحقیر میلیون‌ها زن مسلمان در مقابل کشف حجاب بود.

امیدواریم انتشار منسجم این اسناد مغفول مانده، که به ندرت در تاریخ کشف حجاب از آنها سخن به میان آمده در شناخت تاریخ این دوران به نسل حاضر و نسل‌های آینده کمک کند.

۱. حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه، تهران، عروج، ۱۳۷۶.

۲. مهدی صلاح، کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸.

۳. همان، ص ۱۷۸.



وزارت جنگ

سواد —

مورخه ۱۶/۱۱/۸

نمره ۲۳۰۹۶

محرم‌انه مستقیم فوری

وزارت جنگ

در ضمن دستور و تعلیمات صادره راجع به رفع حجاب، زنهای معروفه حق ندارند خود را داخل در مجامع نسوان و خانواده‌های نجیب نموده و در صورت رفع حجاب جلوگیری به عمل می‌آید. طبق راپرتهای شهربانی خوزستان با اینکه بعضی از زنهای معروفه که به اتکای افسران، ترک چادر نموده بودند از طرف شهربانی جلوگیری به عمل آمده^۱ مع ذلک نصرت نام معروفه به اتفاق نایب شاهرخی افسر ارتش بدون حجاب به سینما رفته است. متمنی است، امر فرمایند در این خصوص تعلیمات لازمه صادر گردد.

کفیل اداره کل شهربانی

[سرباس مختار]

ضمیمه مراسله نمره ۲۳۲۲/۸۴۰۰۴ صادره به ستاد ارتش
۱۴/۱۱/۸

سواد مطابق اصل است

امضا



وزارت جنگ

حواله
مورخه ۱۳۰۱
نمبر ۲۳۰۹۲

درخواست
درخواست در وقت صدور رایج به موجب دستور
مجلس در وقت صدور رایج ۱۳۰۱ و قرار داد که در وقت
مجلس به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱ طبق امارت شهر به صورتی که با سبکی
صدور در وقت، افران ترک بعد از افران در وقت به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱
صدور در وقت به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱ افران در وقت به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱
تتمیم است در وقت در وقت به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱ -
کفر اراک به موجب جوگیر صدر ۱۳۰۱

صدور رایج ۲۳۲۲
۸۴۰۰
۱۳۰۱ / ۱۱ / ۸





نمره ۶۴۵۳

وزارت جنگ

دکن —

مورخه ۱۴/۱۱/۱۱

ستاد ارتش

شعبه مرموزات

ضمیمه —

محرمانه مستقیم

متحدالمآل

تعقیب متحدالمآل نمره $\frac{۶۱۴۷}{۱۴/۱۰/۲۵}$ لزوماً اشعار می‌گردد، چون این طور مقرر گردیده که کلیه زنهای معروفه و معلوم الحال بایستی با چادر بوده باشند. علی هذا مقتضی است قدغن فرمایید مراتب را به وسایل مقتضی به عموم افسران آن قسمت گوشزد و حالی نمایند که افسران ارتش شاهنشاهی به هیچ وجه حق ندارند، با این قبیل زنهای معروفه در مجامع و معابر عمومی رفت و آمد نموده و یا آنها را بدون حجاب داخل مجامع نسوان و خانواده‌های نجیب نمایند.

کفیل ستاد ارتش سرلشگر ضرغامی

[امضا]

دکتر
شمس المرحوم
مشرقی



وزارت معارف
مشاوران

ک. ۹۰۴۵۳
مورثه ۱۶۱۲۱۱
در جواب مراسله حروف و اعداد
میزد که مشتمل بر است با نمرد
ذکر شود

خزانه تصفی

شمس المار

تغییر شمس المار ۹۱۳۷
۱۳/۱/۳۵
کروا ایشد ریگردد چون ایندو کور کور
کینه دنا رنورند و معلوم میباشی با عاقل رنج داشته
عید انورست دفر فرایند بر آب ابون میفرستیم انورن انورست کور
و نه نامه که انورن از سرش است بهیچ حدی نمایند با این قیاس رنورند
در جامع و دنا رنورن زنت و آید نمرد و با آنها را بدون حساب و انورن
نورن و دنا رنج با نمرد
کینه شمس المار - کورنورن





نمره ۶۴۵۸ (ارکان حزب کل قشون) مورخه _____ ماه ۱۳۱ _____
 نمره قبل _____ ضمیمه _____
 تاریخ ۱۴/۱۱/۱۲ مسوده تلگراف کبی
 کارشناس دوسیه
 محرمانه مستقیم

کفیل فرماندهی لشکر نمره ۶ خوزستان

طبق راپرت واصله ستوان یکم شاهرخانی افسر آن قسمت با نصرت نام معروفه بدون حجاب به سینما رفته، چون این طور مقرر گردیده که کلیه زنهای معروفه بایستی با چادر بوده باشند علی هذا مقتضی است قدغن فرمایید ستوان یکم مزبور را توبیخ و شدیداً مؤاخذه نمایند که چرا رعایت مقررات جاریه را ننموده؟ و علاوه بر آن اکیداً دستور داده شود که افسران مزبور به هیچ وجه حق ندارند با این قبیل زنهای معلوم الحال در معابر و مجامع عمومی رفت و آمد نمایند.

کفیل

۶۴۵۱
نوع قلم
نوع کاغذ
نوع مرکب

از کان عرب کل قشون

سوره شکر
شکر
سوره شکر
شکر

در تیسع
کین زبیر است

ممن باد است و هندستان کیم هر فراسه آن قسمت بنظر است هم مودت و هم محبت
ببیند و هم چنین بنظر مودت و محبت که کین زبیر است و هم مودت و هم محبت
تو فرزند است و هم مودت و محبت که کین زبیر است و هم مودت و هم محبت
نموده و داده و کین زبیر است و هم مودت و هم محبت که کین زبیر است و هم مودت و هم محبت
مردم هر دو را و کین زبیر است و هم مودت و هم محبت که کین زبیر است و هم مودت و هم محبت

کین



نمره ۶۴۵۲

(ارکان حرب کل قشون)

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل —

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۱/۱۱

مسوده تلگرافی
کتبیکارتون
چوبه

* محرمانه مستقیم

وزارت جنگ

عطف به مرقومه نمره ۸۴۰۰۴/۲۳۲۲ آ زحمت افزا می گردد. راجع به ستوان یکم شاهرخ
 افسر لشگر خوزستان که به اتفاق نصرت نام معروفه بدون حجاب به سینما رفته شرح لازم به
 لشگر نمره ۶ خوزستان صادر گردید که مشارالیه را توبیخ و شدیداً مورد مؤاخذه قرار دهند. و
 ضمناً نیز برای استحضار خاطر محترم تصدیق می دهد، به طور متحدالآل به عموم قسمتهای
 ارتش دستور صادر گردیده که افسران ارتش شاهنشاهی به هیچ وجه حق ندارند با این قبیل
 زندهای معلوم الحال در مجامع و معابر عمومی رفت و آمد داشته باشند.



وزارت جنگ

لشکر ۶ خوزستان

دکن مرموزات

شعبه

نمره ۱۸۱۷

تاریخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۱

ضمیمه

محرمانه - مستقیم

ریاست ستاد ارتش

عطف به امریه نمره ۶۴۵۸ دفتر مرموزات به عرض می‌رساند. این موضوع قبلاً از طرف
 ۱۴/۱۱/۱۲
 شهربانی شفاهاً به لشکر راپرت [شده بود و] شخصاً تحقیقات عمیقۀ نموده معلوم گردید که ستوان
 یکم شاه‌رخ‌ی در همان شب در یک لڑ با رئیس مالیه اهواز و چند نفر دیگر نشستۀ بوده و نصرت
 معروفه در لڑ او نبوده، ولی نصرت نام در آن شب بدون حجاب به سینما آمده و در یک لڑ دیگر دور
 از آنها بوده است. ضمناً چون سابقه آشنایی ما بین نصرت و شاه‌رخ‌ی بوده تصوّر کردند که با
 مشارالیه آمده در صورتی که مربوط به او نبوده علی‌هذا به شهربانی دستور داده شد، مطابق
 مقررات نصرت مزبوره را که برخلاف اوامر صادره اقدام نموده، تعقیب نماید.

کفیل فرماندهی لشکر ۶ خوزستان

سرتیپ معینی

[امضا]



وزارت معارف و اوقاف

«لشکر و خوارستان»

دکتر سرپرست

شعبه

لحظه ۱۸۱۷

تاریخ ۱۳۱۷/۱۱/۱۱

شعبه

محرمانه - مستقیم

ریاست ستاد دانش

عطف بابت نامه ۶۴۵۸۱ دفتر سرپرست با عرض پیرسند این توضیح
قبل از طرف شریانی شفا با به لشکر را پورت شخصاً تحقیقات عمیق نموده
معلوم گردید که ستوان یکم شاهی در این شب در یک تریاژ با رئیس
امور از و چند نفر دیگر نشسته بوده و حضرت معروف در آنجا بوده ولی
حضرت نامه در آن شب بدون حجاب به سینا آمده و در یک تریاژ دیگر
از آنجا بوده است ضمناً چون سابقه شفا فی باین حضرت و سایر افراد
بوده تصور کردیم که با شرا لیم آمده در صورتیکه بر طبق ادو بنوده علیحدت
شریانی دستور داده شد مطابق مقررات حضرت زینب را که بر خلاف
ادامه مدارا اقدام نموده تعقیب نماید - کینیل فرماندهی لشکر خوارستان
سعدی





وزارت جنگ

اداره سربازخانه

غیر ۲۲۲۲۰
۱۴۰۰۴

تاریخ ۴ — ۱۱ ماه ۱۳۱۴
شعبه کتبی و ثبت

زیرمعاونت

کتابخانه

این پنج مجلد و پنج سرورده هم فی دودانها در مجلس نواب
دولت و مجلس شورا و در دودانها در مجلس شورا و در
سردار کیم شایسته و در دودانها در مجلس شورا و در
ان که اینها نیز در مجلس شورا و در دودانها در مجلس شورا
در اینها و در دودانها در مجلس شورا و در دودانها در مجلس شورا

شماره ۵۴۵

مورخه ۱۳۱۷

در جواب مراسله حروف و اعداد
میزه که منتهی نموده است با نمره
ذکر شود



وزارت معارف

مستاد ارتش

دری
شعبه
مستاد ارتش

فرمانه تصدیق

تصدیق

تصدیق محمد امین ۱۳۱۷
۱۳/۱/۲۵

کتابخانه و مدرسه و سایر مراکز علمی و فرهنگی
عموماً و خصوصاً در صورت لزوم از طرف
وحدانی نمایند که اسرار از دست نرود
در جامع و سایر محلی و در آنجا که
توان و فایده را در آنجا نمایند

محمد امین



وزارت جنگ محکمہ شہنشاہی

سواد

مورخه ۱۳۴۱

۲۲۰۹۴

درآمد

۲۳۰۹۲
در دفتر دستور و تعلیمات صادر راجع به حبس و انفرادی
مخبر در این باره مع کوان و فرار از کار مجسمه و در صورت
رسم حبس جوگیر می نماید طبق امارت شهر به محض آن با سکه
مصرفه در ایام و افسران ترک باید بفرستد از طرف شهر به جوگیر مع
فهرست نام سوره با اتفاق نیست و بفرستد از طرف شهر به جوگیر
تشریح در فرستاده در این دفتر تعلیمات دهند صادر کنند -
کلیه ادارات مع کوان

۲۴۲۲ / ۱۶۰۰
۱۳ / ۱۱ / ۸

مدرسه ابتدائی

سید محمد علی

توجه



جی کراسم ۵ روز فدا سے کلکتر رسید ہو
 بہ کلکتر خدشتان تکریم لکھنؤ سوان علم شاہین بنگ =

سو دہ مہینہ موجب ہر سنا رفتہ

ایک کین کلکتر عرض مکن سوان برنہ ان بے درناہم

دعا در کین کلکتر بود ۵ ریشہ سوان ۱۱ لکھنؤ کلکتر

نشتہ ہم نہ نفر = سو دہ در لکھنؤ

بیشای دکر دکر دکر نفر = سو دہ رفت تکریم

جہ سنا رفتہ ہم تعبت نہ

دکر لکھنؤ لکھنؤ لکھنؤ



نمبره خصوصى ۹۰
محرمانه و مستقيم

ریاست وزراء

(سند شماره ۱۰۹)

اداره کل شہریانی

تاریخ ثبت ۱۳۱۵/۰۴/۱۹

حکومت همدان زاپورت می‌دهد با عملی شدن کامل رفع حجاب در آنجا باقی ماندن عده فواحش با چادر سیاه صورت خوبی ندارد. و چون از عبور و مرور آنها نمی‌توان در معابر جلوگیری کرد، تقاضا کرده است در صورتی که اجازه داده شود با شرایطی ترتیب برداشتن چادر آنها نیز داده شود مقرر دارید دستور مقتضی به شهریهائی همدان صادر نماید که در رفع حجاب آنها اقدام نموده تا اصلاً چادر از بین برود. به حکومت همدان هم در این زمینه دستور داده شد.

رئيس الوزراء

1.9 cm^3

نمبره عمومی	
نمبره خصوص	 ۹۰
کارکن	
دوسیه	



دپاست وزراء

نوع مسوده	
موضوع مسوده	
ضمیمہ	
مسئودا کتبیس	

تاریخ تحریر: ماه تاریخ پاک دینس: ماه تاریخ ثبت: ۱۹/۴/۱۳

موز و سبزی

دردار کمر شریف

[illegible]

کابینه ریاست وزراء

نمره ۶۵ / ۱۹ / ماه ۲ / ۱۳۱۵

کشف تلگراف رمز حکومت همدان

ریاست وزراء ۱۶۲۳ با عملی شدن کامل رفع حجاب باقی ماندن عده فاحشه با چادر سیاه فوق‌العاده رکیک، ضمناً نمی‌شود عبور مرور آنها را در معابر جلوگیری کرد. در صورت مقتضی اجازه فرمایید با شرایطی با آنها نیز ترتیب برداشتن چادر سیاه داده شود. ۱۵/۲/۱۸ نمره ۱۷۱۴
علینقی بیگلری

همدان حکومت نمره ۱۷۱۴

به شهربانی کل دستور لازم در رفع حجاب فواحش هم داده شد.

۱۵/۲/۱۹

نمره ۶۵

رمز شد

پرومند



کابینه ریاست وزرا

شماره ۱۱۰

بسم الله الرحمن الرحیم روز شنبه ۹

شماره ۶۵ ۱۹/۱۰/۱۳۱۵

ریاست محترم ۱۹۲۲، به معنی نه صرفاً موجب باقی ماندن عهد چشمه با
س. فوق آن در رنگ خن غرض عهد دود آنرا در ص. بر جد گیر کرد در مدت
فرشته با بر این آینه نیز ترتیب بر دهن جا در س. در د. شد ۱۸/۱۵/۱۳۱۴ (۱۷۱۴) غیر مجاز.

باز به این من در این مقام
۱۷۱۴
۱۵/۱۰/۱۳۱۵
۱۱/۱۰/۱۳۱۵
۱۱/۱۰/۱۳۱۵

۶۸
۱۵/۱۰/۱۳۱۵
۱۱/۱۰/۱۳۱۵
۱۱/۱۰/۱۳۱۵

نمره خصوصی ۹۱

ریاست وزراء

محرمانه و مستقیم

حکومت همدان

عطف به تلگراف رمز ۱۵/۲/۱۹ به طوری که اداره کل شهربانی اطلاع می دهد راجع به
نمره ۶۵
فواحش به شهربانی ایالات و ولایات دستور داده شده است که آنها را محدود نمود تا در معابر
عمومی دیده نشوند. ولی هر یک از آنها که شوهر اختیار نمایند، اجازه رفع حجاب به آنها داده
شود.

رئیس الوزراء

برومند

امضاء



III $\alpha \beta \gamma$

نوع مودہ
موضوع مودہ
ضمیمہ
مستثنیٰ یا کنونین



نمبره عمومی
 ۹۱
 نمبره خصوصی
 کائنات
 دوام

تاریخ تحریر: ماه تاریخ با کد نویسی: ماه تاریخ ثبت: ۱۳۰۵/۰۵/۱۳

مکرمہ رستم

१५-२६

[illegible]

محرمانه

ریاست وزراء

معطوفاً به مرقومه نمرة ۹۰، راجع به زنهای معروفه به شهربانی های ایالات و ولایات
دستور داده شده است که آنها را محدود نموده تا در معابر دیده نشوند ولی هر یک از آنها که
شوهر اختیار کرد، اجازه رفع حجاب بدهند.

رئیس اداره کل شهربانی سرتیپ مختار

۱۵/۲/۲۱

نمره ۳۹۳۲



تاریخ ۱۵/۲/۱۳۴۱

شماره ۳۹۳۴

۴۶۹۲



وزارت داخله

اداره کل شهربانی

اداره

دایره

موضوع

مرمانه

ریاست وزرا

معطوفاً بر قومه نمره ۹۰ راجع بزنهای معروفه بشهربانی های
ایالات و ولایات دستور داده شده است که آنها را محدود نموده
تا در معابر دیده نشوند ولی هر يك از آنها که شوهر اختیار کرد
اجازه رفع حجاب بدهند - رئیس اداره کل شهربانی سرتیب مختار



کشف حجاب و سانسور و تبعید افسران مسلمان

بازی از خروسی پرسید که تو مقرب خانه بنی آدم هستی و برای تو پهلوی خانه خود خانه می سازند و از دست خود به تو آب و دانه می دهند، سبب چیست که هر گاه بر سر تو آیند و می خواهند که تو را بگیرند، غوغا و فتنه می انگیزی و از این خانه بدان خانه و از این بام بدان بام می گریزی؟ اما من مرغی وحشی ام که در کوهسار بزرگ می شوم چون مردم مرا صید کنند بر سر دست ایشان آرام می گیرم و چون مرا از پی صیدی فرستند با آن که فارغ البال پرواز می نمایم صید را گرفته و به خدمت، باز می آیم و هرگز عربده و غوغا نمی کنم؟ خروس گفت: ای باز هرگز هیچ جا دیده ای و یا از هیچ کس شنیده ای که بازی را به سیخ کشیده باشند و بر آتش گردانیده؟ باز گفت نی. خروس گفت تا من در این خانه ام و نیک از بد باز می دانم صد خروس را دیده ام که سر بریده اند و بال و پر کنده و شکم آن را شکافته و بر سیخ کشیده اند و کباب کرده و گوشت او را خورده اند. نوحه و فریاد مرا جهت این است و از این جهت همیشه خاطر م مجروح و دلم اندوهگین است.

حکایت اسناد این قسمت حکایت آن خروس است که همیشه خاطرش مجروح و دلش اندوهگین است. داستان ارتش رضاخان و ارتش یانی که به ظاهر با کودتای سیاه بر مصدر قدرت قرار گرفتند، چنین است. یکی از افسران جزء یکی از ایالت های دور افتاده به مادرش نامه می نویسد و پس از احوالپرسی می گوید اگر داستان کشف حجاب داستان بی ناموسی و از بین رفتن حجب و حیای شما می شود، شما و خواهرانم کمی تریاک بخورید و خود را بکشید تا این بی ناموسی را نبینید. از آنجایی که یکی از سیاست های رضاخان کنترل شدید مردم به خصوص ارتشیان بود نامه را گشوده و ماجراهایی که پس از گشودن نامه بر سر این افسر می آید خود فصل کوچکی از استبداد سیاه رضاخانی را به نمایش می گذارد. این اسناد دو مسئله را روشن می کند: اول کنترل شدید دستگاه حکومت بر مردم و این ذات دولت مدرن است که باید از همه چیز مردم خبر داشته باشد. دوم آزادی و ایمان حتی ارتشیان که به ظاهر در زیر سیطره استبداد و حقوق بگیر آن هستند ولی ایمان و اعتقادات خود را حفظ کردند و این همان کمینگاهی بود که در انقلاب اسلامی امام خمینی از آن بهره گرفت و بنیادهای استبداد پهلوی را از هم گسیخت.





وزارت داخله

اداره کل شهربانی

سواد: عریضه ستوان یکم غلامرضا فضل‌ی

خانم والده عزیزم را قربان بروم

پس از تقدیم عرض ارادت، سلامتی وجود محترم را مسئلت می‌نمایم. چنانچه از راه لطف جویای احوالات فدوی باشید، سلامت و به دعاگویی مشغول می‌باشم. مرقومه شریف که حاوی سلامتی وجود محترم بود، زیارت [شد] خیلی خورسندی روی [داد] و از اینکه عکس فدوی را خواسته بودید تقدیم [می‌کنم] علت دیر دادن کاغذ بنده برای این بود که مفتش آمده بود برای رسیدگی به حساب ساختمان. اینکه پیراهنهای بنده را خواسته بودید، نمی‌دانم کدام می‌فرمایید؟ البته مرقوم دارید تا پست بعد، ان شاء الله بلکه با یک مبلغی وجه برای شما بفرستم. مادر جان میل دارم قدری از سرگذشت خواهر بدبخت خودم سرور زمان برای بنده بنویسید که از وضع زندگانی آن بیچاره مسبوق باشم. از قول بنده از آقای آقا سید عبدالله و خانم‌ها و فرخ زمان احوال پرسى فرمایید همشیره زاده‌ها را دیده‌بوسی نمایید. از احوالات امیر قلی که سرنوشت این طفل بی‌گناه این طور بود که نه مادر و نه پدر به خود نبیند و در دامن پدر، مادر بزرگ نشود، مرقوم دارید. دو دست چرخ فلک به امیر و اکبر نشان داد رنج بی پدر و مادری را توفیر نمی‌کند، خواه پدر و مادر آنها مرده باشد خواه بی غیرت باشد. راجع از وضعیت تهران برای بنده مرقوم فرمایید. راجع به بی‌حجابی اگر امر خیلی سخت شد علاقمند می‌باشم قدری تریاک شما و خواهرهای عزیزم میل نمایید که دیگر این قسمت را ننیم. البته پس از مطالعه این کاغذ را فوراً آتش بزنید. تاج دولت حضور همگی سلام تقدیم می‌دارد.

محل امضا

قربان تمام شما فضل‌ی

مطابق سواد است [امضا]

نام داده عزیزم که فرموده

پیر الهی و خدایا در سلاطین و جود تو در سست من (جانباز را بگو)
 جوی او را در من بگو که است دیده گوی مثل منم مروت و توفیق که دارد
 سلاطین و جود تو را در سست حق و در من در سست دارد سست من را در سست
 بدیدیم است در دین که نه بر این است که نفس آنم بعد بر آن
 به جابر می گفت که این در سست او را سست بدیدیم که ام که
 سر زانیه است مرقم و در سست توفیق آن که بکشد یکت بفرموده
 بر این سست من مادر من میسر دارم که در سست تو این سست
 خودم کرده زانیه بر این سست که از وضع زنانه گامش را بر این سست
 با هم از قول نه در سست که است به آنه و خام که در سست زانیه احوال
 بر سست زانیه میزد زانیه دیده بر سست زانیه از او را سست بر سست





که روزی است این سر من بر گناه این سر من چه که در داور و نه پدر و نه پسر
و در دانا که پدر ما در زشت خود در توام و او به در است و حق غلبه بر او
و اگر قضا که او در هیچ بر پدر ما در که تو تر کنه قوا پدر ما در الا مرد
با که قوا به بر زشت با که راج از دینیت طرا تا بر این سر و توام زبانه
راج به بر طرا اگر از رضا تخت که عا که نه من قد بر تر است
نه و قوا در از توام به غایب که دیگر این سر قست که نیز من این سر از نه
این سر که نه که در این سر زبانه نه است حقه دیگر که نام قدیم ما در

زبان توام نه قطع

نمره —

وزارت جنگ

رکن —

مورخه ۱۴/۱۱/۹

ستاد ارتش

شعبه موزات

ضمیمه —

پیشگاه اعلیحضرت همايون شاهنشاهی

راپرت

مفتخراً به شرف عرض می‌رساند: اداره شهربانی سواد مراسله خصوصی ستوان یکم غلامرضا فضلی را که از خرم‌آباد به مادرش نوشته به ستاد ارتش ارسال داشته، مفاد مراسله مزبور دارای یک رشته مطالب خصوصی است.

و ضمناً در آخر مراسله ستوان یکم مزبور به مادرش این طور می‌نویسد: «راجع به بی‌حجابی اگر امر خیلی سخت شد علاقمند می‌باشم قدری تریاک شما و خواهرهای عزیزم میل نمایند که دیگر این قسمت را ننیمیم. البته پس از مطالعه این کاغذ را فوراً آتش بزنید.»

محض استحضار خاطر خطیر شاهانه راپرت گردید.

فرمودند: «به لشکر نوشته شود این نوع افسران خشک و احمق چه فایده دارند و چه نوع می‌شود به آنها اطمینان داشت. باید نصایح و تذکرات لازم به او بدهد تا اگر فایده نبخشید اخراج گردد.»



دفعه
شماره
تاریخ



وزارت جنگ
ستاد ارتش

شماره
تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴
در جواب ارساله جروف و اشکاف
عموماً که در مقام لایحه
ذکر شود

بنگاه امنیت بهایون شایسته
رابط

شماره شریف میسر است : همان شماره نامه شماره شریف میسر است که در مقام لایحه
به ستاد ارتش ارسال شده است و در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است
و در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است (راجع به نامه شماره شریف میسر است که در مقام لایحه
تبریکت نامه شماره شریف میسر است که در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است)
شماره شریف میسر است که در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است

در مقام لایحه
شماره شریف میسر است که در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است
شماره شریف میسر است که در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است
شماره شریف میسر است که در این شماره نامه به ستاد ارتش ارسال شده است



نمره ۶۴۴۶

ارکان حرب کل فئون

مورخه — ماه ۱۳۱۱

نمره قبل —

ضمیمه —

تاریخ ۱۳۱۱/۱۱

مسوده نگار افند
کبی

کارتون
دوبیه

محرمانه مستقیم

کفیل فرماندهی لشگر نمره ۶ خوزستان

سواد مراسله خصوصی ستوان یکم غلامرضا فضلی که در قسمت تیپ لرستان می باشد و از خرم آباد به مادرش نوشته تلوا ارسال [می شود] مقتضی است قدغن فرمایید قسمت اخیر مراسله افسر مزبور را تحت مطالعه قرار دهند. و ضمناً نیز حسب الامر مطاع مبارک ابلاغ می گردد، فرمودند: «این نوع افسران خشک و احمق کهنه پرست چه فایده دارند و چه نوع می شود بوجود آنان اطمینان داشت و بالاخره بایستی با نصایح و تذکرات لازمه آنها را به مقررات جاریه آشنا و وادار نمود و در صورتی که نصایح لازمه به افسر مزبور مفید و مؤثر واقع نگردید بایستی اخراج گردد.» و نتیجه اقدامات را نیز اطلاع دهند.



اداره شهربانی ضمن مراسلات سانسوری، سواد مراسله خصوصی ستوان یکم غلامرضا فضلی [را] که در قسمت تیپ لرستان معرفی کرده، ارسال و در آن مراسله که ستوان مزبور به مادرش نوشته بود حاوی جمله ذیل بود:

«از ترتیب بی حجابی مشوش و اگر کار سخت شد شما و خواهرهای عزیزم تریاک بخورید که دیگر این قسمت را نبینم».

به لشکر خوزستان ابلاغ شد با نصایح لازمه این نوع افسران احمق را به مقررات جاریه آشنا و اگر مؤثر واقع نگردید باید اخراج شوند. اینک لشکر عرض می‌کند، افسر مزبور جزء تفتیش مالی و مأمور ساختمان اصطبل در لرستان برای اداره اصلاح نژاد اسب می‌باشد. مع هذا به طوری که امر فرموده‌اند اقدام خواهد شد.

بنابراین به اداره مربوطه نوشته شود.

نمره ۶۸۷۷

ستاد ارشد

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل —

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۱/۲۹

مسوده تلگراف
کتابی

کارتن
دوبه

محرمانه - مستقیم

ریاست اداره تفتیش مالی

طبق راپرتی که به شرف عرض پیشگاه مبارک رسیده ستوان یکم غلامرضا فضلی، افسر آن اداره که برای ساختمان اصطبل جهت اداره اصلاح نژاد و پرورش اسب مأمور لرستان است، شرحی به مادر خود در تهران نوشته که حاوی این جمله بوده است: «از ترتیب بی‌حجابی مشوش، و اگر کار سخت شد شما و خواهرهای عزیزم تریاک بخورید که دیگر این قسمت را نبینم» چون حسب‌الامر مبارک بایستی با نصایح لازمه این قبیل افسران احمق را به مقررات جاریه و اقتضای زمان آشنا کرد. و اگر مؤثر واقع نگردد، اخراج شوند. علی‌هذا مراتب را برای استحضار آن اداره اعلام داشت که به امتثال امر مبارک راجع به افسر مزبور قدغن فرمایند اقدام لازم معمول دارند. کفیل

وزارت جنگ

به تاریخ ۱۲/۹ ماه ۱۳۱۴

اداره

ضمیمه

دائرة

محرمانه - مستقیم

نمره ۱۳۹۷۰

ستاد ارتش

عطف به نمره ۶۸۷۷ - نظر به اینکه مادر افسر مزبور از چنین موضوعی به کلی اظهار بی‌اطلاعی [می‌کند] و به علاوه وضعیت و تجدذخواهی او نیز مخالف صدور چنین مراسله‌ای می‌باشد و تصور می‌کنند، اشخاصی از راه دشمنی با ستوان یکم فضلی چنین دسیسه [ای] را مرتکب شده باشند. لذا به طوری که حضوراً تقاضا شد متمنی است اصل مراسله را برای تحقیقات کاملتری، امر به ارسال فرمایند، تا حقیقت امر مکشوف و نتیجه گزارش گردد.

رئیس اداره تفتیش مالی و مباشرتی ارتش

[امضا]



وزارت جنگ

تاریخ ۱۳۹۱ / ۹ / ۱۳

ضمیمہ

ص: ستم

ادارہ

_____ **قائم**

۱۳۹۷. مهر

[illegible]

نمره ۷۰۸۶

ستاد ارشد

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل —

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۲/۱۰

مسوده تلگراف
کتبی

کارت
دوسیه

مجرمانه - مستقیم

کفیل اداره شهربانی

عطف به نمره ۲۲۴۶۳ مورخ ۱۴/۱۱/۸ ستوان یکم غلامرضا فضلی از نوشتن مراسله منظور
۱۰۶۸۱
منکر و تصور می‌کند اشخاص دیگری از راه دشمنی مرتکب چنین دسیسه [ای] نسبت به مشارالیه
شده باشند. بنابراین در صورت امکان مقتضی است قدغن فرمایید عین مراسله را ارسال دارند که
با خط افسر مزبور تطبیق و حقیقت موضوع روشن گردد.

کفیل

وزارت جنگ

به تاریخ ۱۲/۱۶ ماه ۱۳۱۴

اداره

ضمیمه دو ورقه

دایره

نمره ۱۴۵۸۶

محرمات - مستقیم

ستاد ارتش

عطف به نمره ۷۲۰۸ با اعاده عین مراسله، به طوری که از جریان امر استنباط می شود. افسر
مزمورات
مزبور بدو به تصور اینکه از طرف دولت در این مورد تصمیمی اتخاذ نشده، به شرح مراسله مزبور
مبادرت و بعداً که از او امر صادره مطلع گردیده شرح جداگانه که به مادر خود نوشته عیناً ایفاد
میشود.

رئیس اداره تفتیش مالی و مباشرتی ارتش

[امضا]



وزارت جنگ

اداره

دائره

لنبره ۱۴۵۵۹

بتاریخ ۱۲ / ۱ / ۱۳۱
ضمیمه

م. ن. - ستم

م. ن. لک

حکومت (۷۲۰۸) برائے

مملکت
طریقہ مذکورہ درجہ نامی فرزند سردار
در طرفت دست در دست لکشی و نامی
در دست لکشی و نامی
در دست لکشی و نامی
در دست لکشی و نامی
در دست لکشی و نامی

در دست لکشی و نامی



خانم والده عزیزم را قربان می‌روم

پس از تقدیم عرض ارادت، سلامتی شما را مسئلت می‌نمایم، چنانچه از راه لطف جویای احوالات اینجانب باشید، سلامتی، فقط راجع به نرسیدن کاغذ شما خیلی نگران بودم. برای صحت سلامتی شما که درست مسبوق شوم، تاجی را به تهران اعزام [می‌کنم] نظر به اینکه این دختر پناهنده به من شده میل دارم مثل دخترهای خودت به ایشان محبت نمایم. و ضمناً ایشان را تربیت نمایم. همه ماهه برای شما پول خواهم فرستاد. تاجی در نجابت مادر جان همتا ندارد. البته مدتی که در تهران بود در خدمت شما تربیت شد. او را خواهم خواست. از قول بنده از آقای آقا سید عبدالله و خانمها و فرح زمان احوالپرسی نمایم. همشیره زاده‌ها را دیده بوسی نمایم. هر خبری که از سرور زمان دارید برای بنده مرقوم دارید. مادر جان راجع به بی‌حجابی ابداً اهمیت ندهید. این جهت خوشوقتی ایرانیان است. شما هم اقدام نمایید. البته به شما عرض می‌کنم باید بدانید، چه فرمان یزدان چه فرمان شاه. حکم اعلیحضرت همایونی، حکم خداست.

همشیره عزیزم خانم آقا و فرح زمان

از هر دو شما خواهشمندم که تاجی را مثل خودتان تربیت نمایید. طرز پوشیدن لباس و آداب تربیت را به ایشان گوشزد نمایید. قلیان کشیدن را ترک مشارالیه بدهید.

قربان همه شما امیر فضلی^۱

[امضا]

یدالله از موقعی که رفته بابل برای بنده کاغذ نداده یعنی شما هم نداده‌اید البته فوراً کاغذ بدهید.

۱ - در اسناد قبلی نام ستوان فضلی، «غلامرضا» ذکر شده است ولی در این نامه که به خط و امضای خود نویسنده نامه است «امیر» آمده است. شاید «غلامرضا» نام رسمی و شناسنامه‌ای و «امیر» نام متداول در خانواده او باشد.





نام داده. فخر الله ترا سپیدم

پیران قدما و فرزانان در کلاستر که در مسقط سرخ (جانبه اردو) نقد
جریان احوال را اینها پس با نیک کلاستر نقد راجع بر نیکان که نیک
خیال نگاران بودم. برار محبت کلاستر تا که در دست بنویس تو
تا جرم و بطلان از ان افرام نظر بیکدیگر اینم و خیر بنده بنی که نیک
شن و خوار و دست این بی جهت نایه و خوار آن کلا تر بیت نایه
بسم الله برار تو قول فوام در مقابل جرم و در بابت هر یک آن
ندارد و البته مدتی که در طهران بود و خدمت تو تریت نیک
او در فوام و راست از قول بنده از کلام نیک به الله و فوام
و فوج زبانی احوال بر نایه نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک
بر خوار که از نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک

در این راه بهر چه بر آید ایت ندید اینست
 خوشتر از این است نه اندام نایب اینست
 یکبار به این چه زاری زاری چه زاری
 کم است اینست و اینست

اینست و اینست

از راه تو فرستادم که بهر چه شد در این نایب
 بهر چه شد در این نایب بهر چه شد
 بیدار گشته در ترک نشد
 بهر چه شد



نمره ۷۲۵۲

ستاد ارتش

مورخه — ماه ۱۳۹۱

تاریخ ۱۴/۱۲/۱۶

ضمیمه —

محرماتنه - مستقیم

ریاست اداره تفتیش مالی و مباشرتی ارتش

عطف به نمره $\frac{۱۴۵۸۶}{۱۴/۱۲/۱۶}$ مقتضی است قدغن فرمایید ستوان یکم منظور را نصیحت [کنند] و به مشارالیه متذکر شوند که هر گاه روی اصل جهالت و نادانی برخلاف نهضت بانوان کشور شاهنشاهی کتباً و شفاهاً تظاهراتی از او مشهود شود، تنبیهی که متوجه مشارالیه می‌گردد، منجر به اخراج از خدمت ارتش خواهد بود.

کفیل

مستاد ارتش

مورثه ۱۲۱
شبهه

عکس
مصدقه کتبی

شماره ۷۲۵۲
شماره قلم
تاریخ ۱۳۱۷
کارکن
دوسه

کند - - - - -
.....

رایت لادینش با بار بار در دست
مستاد ۱۲۵۸۶
۱۳/۱۳/۱۶
نظریه حضرت و بیدار در دست در کارگاه حضرت
کوشش با کارگاه در دست در کارگاه حضرت
نظریه حضرت در دست در کارگاه حضرت



(وزارت جنگ)

نمره —

شماره —

یادداشت به تاریخ — ماه — ۱۳

چون ستوان یکم فضلی جزء اداره تفتیش مالی بود. پس از مکاتبات با اداره مزبور بالاخره در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۷ طی نمره ۷۲۵۲ حسب الامر مطاع مبارک فرمان حضرت اجل دامت عظمته* به ریاست اداره تفتیش مالی صادر گردید که افسر مزبور را نصیحت نموده و متذکر شوند که هرگاه روی اصل جهالت و نادانی کتباً یا شفهاً برخلاف نهضت بانوان کشور تظاهراتی از او مشهود گردد. از خدمت ارتش شاهنشاهی اخراج خواهد شد.

محض استحضار خاطر مبارک معروض گردید

فدوی غلام حسین

ضبط کنید



وزارت جنگ

یادداشت بتاريخ ماه ۱۳

چون سرتان کم فضا فرموده اند تقسیم، الحاح بهر دو جانب است و بدین جهت
 بدفعه در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۵۲ در برابر
 سرتان در یک جلسه معینتر و در سطح عالی تقسیم
 فرموده اند که در هر دو طرف تقسیم و تمرکز کنند و هر یک
 در امر جهاد و دفاع و یا شهادت و خدمت نمایند
 که در آن امر و نهادهای گوناگون در هر دو طرف و در هر دو
 خدایا

ممنون از کتبه و غیره که سرتان گنید
 مندرجین



وزارت جنگ

(لشکر ۶ خوزستان)

رکن —

شعبه —

نمره ۱۶۱

ریاست ستاد ارتش

محرمانه - مستقیم

تاریخ ۱۳۱۵/۱/۲۴

تعقیب راپرت نمره ۱۸۱۵ نظر به اینکه ستوان یکم فضلی کفیل سیلمی های منطقه خرم آباد به مأموریت کرمانشاه رفته بود، پس از مراجعت مراتب بوسیله تیپ لرستان به افسر مزبور تذکر داده شد، اظهار نموده که چون مادرش از مردمان قدیم [است] و شرحی به پسر خود در این موضوع نوشته بوده (که حاضر نیستم بدون چادر از منزل خارج شوم) و از طرفی نیز تقاضای وجه نموده بود. علی هذا برای استرضای مادر خود از کثرت پریشانی کاغذ مزبور را نوشته و نادم گردیده؛ ضمناً اظهار نموده که فدوی همیشه تمدن و خوشبختی و سعادت هموطنان خود را تقدیس و از این پیشامد که خانمهای ایرانی هم در جامعه مثل سایر ملل متمدنه عالم باشند، فوق العاده خوشوقت و شخصاً استقبال و اشخاص را تشویق می نمودم. مراتب جهت استحضار خاطر عالی راپرتاً معروض منوط به امر است.

کفیل فرماندهی لشکر ۶ خوزستان

سرتیپ ۱ معینی

[امضا]



وزارت فرهنگ
(لشکر و خوارستان)

روز
شماره
۱۴۱

تاریخ ۱۳۴۴ / ۵ / ۱۳۱

محرم‌الدين مستقيم

رايت ستاد دانش

تعیین با ویت ۱۸۱۵ نظر اینکه ستاد یکم فصلی کفیل بسیجی سر منطقه
۱۴ / ۱۱ / ۲۰
خرم آباد با صورت کرافت و رتبه بود پس از مراجعت مراتب بدینک به ترتیب
برافسرزید مذکور داده شد اظهار نموده که چون مادرش از مردمان قدیم و شرمی به سپهر
خود در این موضوع نوشته بوده (که حاضر شستم بدون چادر از منزل خارج شوم) و از طرفی
بیز قاضی و جبهه نموده بود علیه ملا برای رستخسای مادر خود از کثرت پریشانی که از نظر
نوشته و آدم گردیده نمنا اظهار نموده که خدای همیشه تدات و خوشبختی و سعادت هموطنان
خود را تعذیس و لطایین پیش آید که فائزها را برای اتمام دو جامعه شمل سایر ملل متدثره عالم
باشند فوق العاده خوشنیت و شهنشاه استقبال و اشخاص را توفیق عظیمم -
مراتب جبهه و تمضار خاطر عالم با ویت تأسرو من منوط بر ابراست -

کفیل فرماندهی لشکر خوارستان
مستقیم



اسنادی از حسینعلی راشد^۱ و واقعه کشف حجاب

از مجموعه اسنادی که در مخالفت با کشف حجاب در تاریخ ایران وجود دارد، اسنادی مربوط به واعظ مشهور دوران پهلوی، مرحوم حسینعلی راشد است. در مورد راشد داوری‌های متضاد در تاریخ وجود دارد که جای پرداختن به آن در اینجا نیست. اما بازخوانی این اسناد ما را در شناخت عمیق‌تر وی که در یک دورانی بر فضای حوزه عمومی تأثیر داشت، یاری می‌رساند.

گزارشات این اسناد ضد و نقیض است. در بعضی از گزارشات او طرفدار حکومت و موافق با تغییرات حجاب و تغییر لباس معرفی شده و در اسناد دیگر، او فردی مخالف که سر مأموران حکومت را کلاه گذاشته و عموماً در سخنرانی‌های خود مردم را علیه تغییرات، مخصوصاً کشف حجاب تحریک می‌کند، معرفی گردیده است. در بعضی منابع آمده که راشد به خاطر سخنرانی علیه کشف حجاب توسط مأموران رضاخان در آذر ۱۳۱۴ ش، دستگیر و ۷۵ روز در زندان بوده است. لیکن خود راشد در «خاطرات خودنگاشت» می‌نویسد: «در ماه رمضان سال یک هزار و سیصد و چهارده بر اثر سوء تفاهم یا اعمال غرض دچار حادثه‌ای گشتم که روحم را بسیار فشار داد و تا اوایل بهار سال یک هزار و سیصد و شانزده به طور غیر آزاد در اصفهان ماندم.»^۲

راشد از محدود روحانیونی بود که از سال ۱۳۲۰ ش در رادیو ایران برنامه داشت. او در سال ۱۳۳۰ در انتخابات هفدهمین دوره مجلس شورای ملی نماینده مردم در مجلس شد ولی ظاهراً در آن دوران پر آشوب که ماجرای ملی شدن صنعت نفت در جریان بود راشد آن فضا را در حد طاقت و توانایی‌های خود ندید و از مجلس استعفا داد. راشد از سال ۱۳۲۶ همزمان در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری)، دانشکده معقول و منقول به تدریس فقه و فلسفه اسلامی پرداخت.

مشهور است که او از اصلاحات ارضی شاه در سال ۱۳۴۰ ش حمایت کرد و در دورانی که ملت ایران با این رژیم مبارزه می‌کرد او به سخنرانی‌های خود در رادیو در دهه چهل و پنجاه ادامه داد و به همین دلیل از سوی مبارزان مسلمان بایکوت شده و منزوی گشت. به خصوص در سال ۱۳۴۳ که در مدرسه سپهسالار به استقبال شاه رفت و در مراسمی که در آن بدیع‌الزمان فروزانفر روی پای شاه افتاد و دیگران هم ناظر بودند از آن به بعد راشد

۱. برای آشنایی بیشتر رک: مدخل حسینعلی راشد، دانشنامه جهان اسلام.

۲. خاطرات خودنگاشت راشد در روزنامه/اطلاعات منتشر شد. رک: جعفر پژوم (به کوشش)، راستقامتان پهنه/اندرز، یادنامه راشد، تهران، سخن، ۱۳۸۷؛ همچنین رک: مدخل حسینعلی راشد، دانشنامه جهان اسلام.



خانه‌نشین شد.^۱

نظر به این که اسناد پیوست این یادداشت، بخش بسیار مهمی از تاریخ ایران را در بر می‌گیرد و تا حدودی ما را با فضای خفقان سیاه دوره رضاخان آشنا می‌کند، بدون هیچ داوری منتشر می‌شود.^۲

کشف تلگراف پب اصفهان	اسم کشف کننده	سروان رافع
نمره وارده ۵۴۸۲	ارکان حرب کل فتون	تاریخ وصول ۱۳۱۴/۹/۱۴
تاریخ اصل ۱۳۱۴/۹/۱۴	مرویات	تاریخ کشف ۱۳۱۴ ماه
تاریخ مخایره — ماه ۱۳۱۴	مرجع	—

ریاست ستاد ارتش

یک نفر واعظ موسم به شیخ حسینعلی راشد خراسانی چندی است در اصفهان مشغول وعظ در مجالس و مساجد [بوده] و یا مهارت مخصوصی اهالی را نسبت به اغلب اصلاحات از قبیل تغییر لباس و غیره بدین نموده، و در لفافه عبارات پیشرفت اصلاحات را تقصیر خود مردم شمرده اظهار می‌دارد: «دولت تقصیری ندارد و تقصیر خود مردم است». و بدین وسیله روح مخالفت را در آنها تحریک و نظر به اینکه مطالب عالمانه طرح و حتی در خاتمه وعظ خود به دولت دعا می‌نماید. اغلب مأمورین ساده لوح را اغفال می‌کند. و چون این قبیل تبلیغات مضره سبب تخدیش اذهان می‌باشد. مراتب را راپرتاً معروض تا در صورت اقتضای رأی مطاع مبارک امر و مقرر فرمایید به یکی از نقاط دور دست تبعید و در آنجا تحت مراقبت قرار گیرد.

۱۳/۹/۱۴ نمره ۴۹۵

سر هنگ سطوتی^۱

۱- سر هنگ حسینعلی سطوتی فرمانده تیپ مستقل اصفهان و از افسران ژاندارمری بود و در دوران نهضت ملی به اتهام همکاری با مصدق به زندان افتاد.

۱. رک: رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، علم، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹.

۲. قابل ذکر است اسناد این یادداشت در سال ۱۳۷۸ یعنی حدود ۲۲ سال پیش در مجموعه‌ای به نام تغییر لباس و کشف حجاب توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی منتشر شد.

کشف التکالیف بمحمد باقر
نمبره وارده ۵۴۲
تاریخ اصل ۱۳۱۴/۹/۱۴ ماه ۱۳۱۴
(اوگان حرب گل قشون)
تاریخ کشفه ۱۳۱۴/۹/۱۴ ماه ۱۳۱۴
اسم کشف کننده محمد باقر
تاریخ وصول ۱۳۱۴/۹/۱۴
تاریخ کشفه ۱۳۱۴/۹/۱۴ ماه ۱۳۱۴
موضوع موزات
تاریخ صفایه ۱۳۱۴/۹/۱۴ ماه ۱۳۱۴

بابت تدارکات کتبی و غیره اعطای موسوم به شیخ حسین علی راسخ در اسفند چندی است
در اسفند شغول و عطف در بابت و تاجید و با مهادت مخصوصه که در انست
غلب اطلاعات از قبیل تغییر لباس و غیره بدین نوع و در لغات و عبارات شرکت
اطلاعات را تقصیر خود مردم شمرده اظهار میدارد که در تقصیر ندارد و تقصیر
خود مردم است و بدین وسیله روح نهالتم را در آنها تحریک و تقویت نماید مطالب عالمانه
طرح و در مقام عطف خود دولت دعا میزند غلب تا حدی ساده لوح را
اغفال میکند و چون از قبیل تبلیغات مضاره تبیین اندک است میباشد در آفتاب
را بر آن معروفان در صورت اقتضای امر مع مبارک است و در تقصیر فرمایند به از غلط
در دست تبعید و در آنجا تحت مراقبت قرار گیرد - ۱۳۱۴/۹/۱۴
که کتبی و غیره

نمره ۵۴۸۶

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل

ارکان حرب کل قشون

تاریخ ۱۴/۹/۱۵

تاریخ ۱۴/۹/۱۵

اصفهان

کارشناس
دوسیه

کفیل تیپ

عطف به نمره ۴۹۵ — مراتب از شرف عرض گذشت. حسب الامر مبارک مقرر است: فوراً
۱۴/۹/۱۳
شیخ حسینعلی [راشد] واعظ بوسیله شهربانی توقیف شود. دستور لازم به اداره شهربانی صادر
گردید.

ارفع

رمز شود

سرلشگر ضرغامی [امضا]





نمبر ۵۴۸۲
نمبر ثبت
تاریخ ۹/۱۵
کارکن
دوب

ارکان حرب کلد فشنون

مسودہ تحریر
موردت ۱۲۱
شعبه

لصوبان
کیم تریج
۲۹۵
۱۲/۹/۱۳
اربع ذرعت عن کونته
تحریر
فدایم جمع حنیف داند
بدره کونته کیم
ارکان حرب کلد فشنون

۱۲

نمره ۵۴۸۸

نمره قبل —

تاریخ ۱۴/۹/۱۵

کارتن
دوبه

مورخه — ماه ۱۳۱

ضمیمه —

ارکان: حرب قشون

مسوده تلگراف
کتابی

فوری - محرمانه - مستقیم

کفیل اداره شهربانی

طبق راپرت واصله شیخ حسینعلی راشد خراسانی چندی است در اصفهان مشغول موعظه می‌باشد. در مجالس و مساجد با مهارت مخصوصی نسبت به اصلاحات کشور از قبیل تغییر لباس و غیره اشاراتی نموده و اهالی را از این حیث بدبین می‌کند. در عین حال که برای اغفال مأمورین ساده لوح در خاتمه وعظ خود به دولت دعا می‌نماید. مع هذا ضمن مذاکراتی که در موقع موعظه اظهار می‌کند باعث تشویش اذهان مردم می‌شود. علی هذا حسب الامر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر است: «واعظ مزبور فوراً توقیف [شود]». و راپرت آن توسط سستاد ارتش از شرف عرض بگذرد. به امتثال امر مبارک مقتضی است قدغن فرمایید دستور لازم به شهربانی اصفهان صادر و توقیف شیخ مزبور را اطلاع بدهند.

کفیل



اداره —

وزارت داخله

به تاریخ ۱۴/۹/۸۵

دایره —

اداره کل شهربانی

نمره ۱۹۲۶۴

فوری مستقیم محرمانه

ریاست ستاد ارتش

بر حسب ابلاغیه مطاعه نمره ۵۴۸۸، توقیف شیخ حسینعلی راشد خراسانی فوراً به رئیس شهربانی اصفهان ابلاغ و راجع به موعظه مشارالیه هم مؤاخذه شد. رئیس شهربانی مزبور راپرت می دهد، «واعظ مزبور توقیف ولی راپرت صحت ندارد. زیرا مشارالیه طرفدار وضعیت حاضره بوده و ۱۵ ماه است در اصفهان متوقف می باشد. در تمام منابری که در مساجد و مجالس روضه دعوت می شود اذهان مردم را نسبت به فواید پیشرفتهای امروز حاضر می نماید. مخصوصاً در اغلب مجالس اظهار داشته، «لباس مربوط به دین نیست و مذهب لباس مخصوصی ندارد.» اخیراً هم راجع به معمین اظهار نموده است، «عمامه را فقط اشخاص فاضل باید استعمال کنند.» به همین جهات چند مرتبه هم از طرف حکومت تشویق شده است، و چون علم و قوه بیان او نسبت به سایر وعاظ بیشتر و طرف توجه واقع شده، عده [ای] از همکاران او مخالف مشارالیه می باشند. واعظ مزبور پسر آخوند ملاعباس اهل تربت خراسان و تحصیلاتش در مشهد بوده، سه سال است اشتغال به وعظ دارد و قریب یک سال و نیم در شیراز متوقف بوده؛ فعلاً ۱۵ ماه است به اصفهان آمده و هیچ گونه سوابق سوئی ندارد. دو ماه قبل نیز به عراق مسافرت و یک ماه در آنجا متوقف بوده است». سرهنگ فضل الله^۱ برای تحقیق فوراً به اصفهان اعزام گردید.

کفیل اداره کل شهربانی

[امضا]

عیناً به شرف عرض رسید. فرمودند: این طور نیست. بایستی درست تحقیقات لازم به عمل آورند و راپرت دهند. ۱۲/۹/۱۶

۱- سرهنگ فضل الله آقاخانلی در زمان ریاست محمد درگاهی به عنوان رئیس اداره نظمیه

کشور، رئیس نظمیه اصفهان بود

سند شماره ۲۹

نمبره ۵۵۴
نمبره قبل
تاریخ ۱۳۱۶
کارکن
حوسبه

ارکان حرب کیل . قشون

مردود و مستحق
مردود و مستحق
مردود و مستحق

تحت - تفتیح

کفر نامه

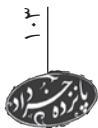
نمبره ۱۹۲۶
۱۳/۹/۱۵

رأبنا بر کفر نامه

تحت - تفتیح

مردود و مستحق

تحت - تفتیح





اداره —

وزارت داخله

دایره —

اداره کل شهرانی

موضوع —

محرمانه مستقیم

به تاریخ ۱۴/۱۰/۹

نمره ۲۰۲۶۴

ضمیمه —

ریاست ستاد ارتش

عطف به ابلاغیه مطاعه نمره ۵۵۰۴ و تعقیب ۱۹۳۲۴ خلاصه راپرت سرهنگ فضل الله آقاخانی مأمور اعزامی از مرکز برای تحقیقات راجع به بیانات شیخ حسینعلی راشد در مجالس روضه ذیلًا معروض می‌گردد:

در اطراف تجدید نظر در جوازهای عمامه اظهار نموده است: «هرگاه جواز عمامه از بین برود با کلاه هم ممکن است به منبر رفت ولی اشخاص باید فضل و کمال تحصیل نمایند تا همیشه باقی بوده و از بین هم نمی‌روند چنانچه دین اسلام از بین نخواهد رفت. و حالا ابتدای شروع دین اسلام است.» ضمن ذکر مصیبت عنوان نموده است که: «سکینه (س) خاتون بالای سر پدر خود آمده و گفته است: پدر جان چشم باز کن و سر برهنه مرا تماشا بنما»

ضمن صحبت در اطراف دیانت، رو به نسوان کرده، اظهار داشته است: «همه نکنید! چرا ایستاده‌اید؟ بنشینید، چادرها را به خود به پیچید. این چادرها اهمیت ندارد. همین طور که سیاسیون شما را در حقوق اجتماعی با مردها مساوی می‌دانند اخلاق خودتان را درست و تصفیه کنید.»

در ضمن بیان طریقه خدانشناسی راجع به لزوم معارف برای افراد بشر مخصوصاً ایرانی‌ها که باید به زبان عرب آشنا بوده تا بتوانند از کتبی که قدما به زبان عربی راجع به مفاخر ایرانیان از قبیل بوعلی سینا و غیره نوشته‌اند استفاده کنند.» صحبت نموده است.

راجع به مسلمین که همیشه دارای افکار و نیت بلند بوده‌اند صحبت کرده و اظهار داشته است: «پس از اینکه بیت المقدس را مسلمین از تصرف بودایی‌ها و مسیحیان بعد از آن همه مظلالم که

مرتکب شده بودند خارج [کردند] و متصرف شدند در مقابل آن همه مظالم عفو عمومی دادند.» اظهار نموده است: «از موقعی که عمامه بزرگ، کوچک شد، چاقچور مبدل به جوراب، غذا خوردن با دست تبدیل به کارد [و] جنگال، شتر، موتور، چراغ نفت به برق مبدل شد، وضعیت منبر هم عوض شده زندگی مردم به زحمت افتاده است. سابقاً که مردم مخصوصاً زن‌ها تا میج دست خود را مثل خروس سرخ می‌کردند به طور راحت و بی‌فکری و تنبلی زندگی می‌نمودند. از روزی که این تغییرات حاصل شد، زندگانی مردم در زحمت افتاده، شنیدن بیانات علمی آنها را خسته می‌کند، سابق که یک نفر با عمامه بزرگ به منبر رفته از زعفر جئی و امثال آن حرف می‌زد، شما را خسته نمی‌کرد و حالا که مطالب علمی گفته می‌شود خسته می‌شوید.»

یک قسمت از اظهارات او این بوده است که: «دین مربوط به لباس نیست و چیزی هم نمی‌باشد که به نعل کفش کسی به چسبید و از بین برود. وسوسه نکنید! شما مسلمانید؛ مملکت شما اسلامی و پادشاه شما پادشاه اسلام و کتاب شما هم قرآن است.»

شیخ حسینعلی راشد فعلاً در شهربانی اصفهان توقیف و چون راپرت مأمور اعزامی با راپرت رئیس شهربانی اختلاف دارد، در صورتی که امر مطاع اعلی حضرت همایون شاهنشاهی شرف صدور یابد، یاور منصور وقار رئیس فعلی شهربانی قزوین به ریاست شهربانی اصفهان و یاور محمود متین به ریاست شهربانی قزوین منصوب و یاور حسین رئیس شهربانی اصفهان به مرکز اخضار و تحت بازجویی قرار گیرد.

کفیل اداره کل شهربانی - سرهنگ مختار امضا

اداره
دایره
موضوعبتاریخ
تحریر
تسليمه

مردم و شرکت خجارت است. سابقاً مردم مضافات آغا بخت دست و پا میزدند و شکر فروشی میفرمودند
بلکه جهت و به کسب و تجارت میفرمودند و در روزهای اخیر به جهت فقر و نیاز مردم در این
شهر بابت عوارض و خجارت میفرمودند و این و دیگر عوارض بزرگ را بر سر رفته اند و فقر و نیاز
و تنگدستی را در این شهر گردیده و مردم را به کسب و تجارت میفرمودند.

بجهت فقر و تنگدستی مردم در این شهر و این و دیگر عوارض بزرگ را بر سر رفته اند و فقر و نیاز
و تنگدستی را در این شهر گردیده و مردم را به کسب و تجارت میفرمودند.

مخمسین رسته فقه در این شهر و این و دیگر عوارض بزرگ را بر سر رفته اند و فقر و نیاز
و تنگدستی را در این شهر گردیده و مردم را به کسب و تجارت میفرمودند.

بگویند و این شهر و این و دیگر عوارض بزرگ را بر سر رفته اند و فقر و نیاز
و تنگدستی را در این شهر گردیده و مردم را به کسب و تجارت میفرمودند.

سند شماره ۳۱

بتاریخ ۱۳۰۴
لشمره ۱۹۳۴-۴
شمعه



وزارت داخله
اداره کل شهربانی

اداره
دایره
موضوع

محرم

ریاست کل

محطفہ باغیچہ (۵۵۰۴) بر سر زمین فاضلہ کلاں تھیں
لشمرہ چھوٹا نامزد و غولم شدہ بود عہدہ برقیہ شہی
مجدد ہم دستہ گزشتہ دلدہ شد کہ دلدہ فاضلہ تھیں
کہ مہر بعد لدرہ نتیجہ دلدہ پرست نامیہ کفیل لدرہ شہانی

۱۳۰۴ (۱۳۰۴) ۱۳۰۴

۱۰۸



پروندہ ویزہ صدمین سالگرد کودتای سیاه رضاخان (۲)
دورہ سوم سال هجدهم شماره ۶۷ و ۶۸ چهار و تابستان ۱۴۰۰

شماره —

مورخه ۱۳۸۰/۱۰

وزارت جنگ

دکن —

شعبه مرموزات

ستاد ارتش

ضمیمه —

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

راپرت

مفتخرأ به شرف عرض می‌رساند:

بر اثر راپرت تیپ اصفهان حسب الامر مبارک به اداره شهربانی دستور داده شد، شیخ حسینعلی راشد واعظ را که در اواسط ماه رمضان در مجالس روضه نسبت به اصلاحات کشور اشاراتی نموده و مردم را بدین می‌کرد، توقیف نمایند. اداره شهربانی به اتکای راپرت رئیس شهربانی اصفهان راپرت واصله را تکذیب و علاوه کرده بود که اظهارات شیخ مزبور مؤید اصلاحات کشور بوده. در ثانی حسب الامر مبارک به اداره شهربانی دستور داده شد: «این طور نیست بایستی در اطراف قضیه تحقیقات دقیقه به عمل آمده مراتب را مجدداً راپرت نمایند.» اداره مزبور سرهنگ فضل‌الله را به اصفهان اعزام و در نتیجه تحقیقات محلی که سرهنگ مزبور به عمل آورده و به ضمیمه از شرف عرض می‌گذرد، راپرت تیپ اصفهان صحت داشته، و اکنون اداره شهربانی پیشنهاد نموده: در صورت تصویب اراده سنیّه، یاور منصور وقار رئیس فعلی شهربانی قزوین به ریاست شهربانی اصفهان منصوب، و یاور محمود متین به ریاست شهربانی قزوین برقرار و یاور حسین رئیس شهربانی اصفهان برای بازجویی به مرکز احضار و تحت تعقیب در آید.

محض استحضار خاطر خطیر شاهانه معروض گردید.

ضمن تصویب مراتب پیشنهادی، فرمودند: «باید سخت تحت تعقیب قرار دهند رئیس شهربانی اصفهان را، شاید خودش در

امر شرکت داشته و معلوم نمایند که از نفیسی بوده یا عمدی بوده است.» ۱۳/۹/۱۰



کشف تلکرافتیه
 نموده و از بدو
 تاریخ وصول
 تاریخ ارسال
 تاریخ مغایره
 تاریخ کشف
 تاریخ رجوع
 مرموزات

ریاست سکه دتس - اجرا و ادب میرا زدی رئیس شریانی معتمدان در اثر غفلتی
 که نامورین شریانی معتمدان تغییر و اعتراض شده چون شریانی معتمدان نسبت به رتبه
 نداشتن با اتحادیه اسیر عاقلانه اقدامات مؤثره معمول داشته و هرگاه در این موضوع
 معتمدان با موقعیت حاضر معتمدان نسبت به این موضوع دارد عملیات بود اطمینان
 عدم آشنائی معتمدان به وضعیت محاسبات مطلوبه حاضر نشود بقصد فردی
 در صورت اقتضا را بر سطح مبارک بطور موقت هم باشد خیر اطلاع گردد
 بموقع خواهد بود در مبارک است - ۱۴۱۰/۱۰/۱۵
 ۵۳۹
 سرپرست سکه دتس



نمره ۵۸۸۹

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل —

(ارکان حرب کل قشون) —

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۰/۱۰

مسوده تذکرات
کنیکارشناس
دوسیهمحرمانه - مستقیم

کفیل اداره شهربانی

مفاد نمره ۲۰۲۶۴ از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی گذشت.
تغییرات پیشنهادی مورد تصویب واقع [شد]. ضمناً مقرر فرمودند: «رئیس شهربانی اصفهان
بایستی سخت تحت تعقیب در آمده و معلوم گردد که حقیقتاً با افکار شیخ حسینعلی راشد موافقت
داشته یا راپرت سابق مشارالیه از روی عدم فهم و بی‌مطالعه‌گی بوده [است].

کفیل

از کان حزاب کل فشون

برو شده حقه ۱۲
ضریبه

شکرانی
مسورده

نکبان

نمبر ۵۸۸۹
نمبر قبل
تاریخ ۱۶۱۰
کارکن
دوبسبه

لکه - ستم

کین لالان بکریانی

نمبر ۳۰۲۶۴
لکه شت غنی بکریانی
۱۳/۹

لکه شت قیرات بکریانی
۱۳/۹

لکه شت بکریانی
۱۳/۹

لکه شت بکریانی
۱۳/۹

کین





وزارت جنگ

ستاد ارتش

ارکان حرب کل قشون

دکن —

مورخه — ماه ۱۳۱۲

ضمیمه —

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ثنبه —

راپرت نمره —

مفتخرأ به شرف عرض می‌رساند:

پیشنهاد کفیل اداره شهربانی راجع به انفصال رئیس شهربانی اصفهان و تحت تعقیب درآمدن مشارالیه راجع به راپرت خلافی که نسبت به اظهارات شیخ حسینعلی راشد واعظ در مساجد اصفهان داده بود در پیشگاه مبارک مورد تصویب واقع گردید. اینک کفیل فرماندهی تیپ مختلط مستقل اصفهان راجع به رئیس شهربانی آنجا شرحی راپرت داده که ذیلاً از شرف عرض می‌گذرد:

رئیس شهربانی اصفهان بر اثر غفلتی که مأمورین شهربانی نموده‌اند تغییر و احضار شده، چون مشارالیه نسبت به ترقی نسوان تدبیرات عاقلانه معمول داشته، اگر در این موقع عوض شود با موقعیت خاص اصفهان و عدم آشنایی مأمور جدیدی که بجای او خواهد آمد، ممکن است در وضعیت محلی پیشرفت منظور، حاصل نشود. به عقیده فدوی اگر بطور موقت هم باشد، چندی در اصفهان با سمت مزبور ابقا شود، بهتر است.

محض استحضار خاطر شاهانه معروض گردید

فرمودند: «فضولی میکند... بایستی احضار و تعقیب شود»^۱

۱ - یکی از خصایص بارز رضاخان بدزبانی و بی ادبی بوده است، بطوری که حتی بعضی از وزرا از این

سند شماره ۳۵



تغییر لباس و کشف حجاب ۴۹۸/

پروژه: شماره ۴۱۲

موضوع:

در جواب مراسمات حروف و احادیث
میزه که بدین نمره است
انچه. پذیر شود



پیشگاه اجماعیت بیان می‌شود

رکب
نوع
نمره

بارت

نمونه از فرهنگ و عفت

پیشگاه اجماعیت اوده نموده باج به فصل برین شهرت از اصفهان و کتب تعجب در آن

باج به بارت عطف به کتب به اوقات شیخ عینی است در عطف در آن به اصفهان اوده

اینک به یک به در تعجب باج کریم است کثیر از این کتب که در اصفهان باج برین شهرت

اینک به یک به در تعجب باج کریم است کثیر از این کتب که در اصفهان باج برین شهرت

اینک به یک به در تعجب باج کریم است کثیر از این کتب که در اصفهان باج برین شهرت

اینک به یک به در تعجب باج کریم است کثیر از این کتب که در اصفهان باج برین شهرت



دنباله سند شماره ۳۵



وزارت خلك
سندھ اسٽيٽ
لوڪل سروسز ڪميونٽي

دڪٽر
نمبر
پرو

پورٽ سال ۱۳۸۲

..... عتيبة

در جواب سر ۽ سروي و احداث

ميٽر ڪم ڪم ڪم ڪم

..... ڏکڻو

پٽي ۽ اسٽيٽ بائسٽ مٿي اٿي شور بهتر آهت

مٿي ٿيڻ ۽ ڏکڻو ڪم ڪم ڪم ڪم



اداره _____

به تاریخ ۱۴/۱۱/۱۴

دایره _____

وزارت داخله

نمره ۲۲۷۹۳

موضوع _____

اداره کل شهربانی

ضمیمه _____

محرمانه مستقیم

ریاست ستاد ارتش

عطف به ابلاغیه مطاعه نمره ۵۸۸۹ راجع به یاور حسین رئیس سابق شهربانی اصفهان در موضوع شیخ حسینعلی راشد. طبق راپرت سرهنگ فضل الله مأمور اعزامی به اصفهان و همچنین بازجوییهایی که از مشارالیه به عمل آمده است، یاور مزبور با افکار شیخ حسینعلی راشد موافقت نداشته و اظهارات او را که مأمورین اطلاعات آنجا می دادند به طور ساده تلقی نموده است. متمنی است اوامر مطاعه را راجع به محاکمه یاور حسین و یا اینکه تا مدتی شغل مستقل به مشارالیه واگذار نشود ابلاغ فرمایید.

کفیل اداره کل شهربانی

[امضا]

سند شماره ۳۶

ارکان سرب کل قشون

موردت مسوده کتبی

نمبر ۵۹۴

نمبر قبل

تاریخ ۱۲۱۱

کارن

دوبه

لضمان

کینر تیب

عطف به ۳۶ قمر و قمره در روزهای دوشنبه و سه شنبه

۱۲/۱۰/۱۳۰۳

رکاب منیر

از دست





نمره —

مورخه ۱۴/۱۱/۱۴

رکن —

شعبه پروژات

ضمیمه —

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی راپرت

مفتخراً به شرف عرض می‌رساند:

حسب الامر مبارک به اداره شهربانی دستور داده شد: «رئیس سابق شهربانی اصفهان بایستی تحت تعقیب درآمد و معلوم گردد که حقیقتاً با افکار شیخ حسینعلی راشد موافقت داشته یا راپرت سابق مشارالیه از روی عدم فهم و بی‌مطالعه‌گی بوده.» اینک راپرت اداره شهربانی حاکی است که: طبق راپرت سرهنگ فضل‌الله مأمور اعزامی به اصفهان و تحقیقاتی که به عمل آمده، رئیس سابق شهربانی اصفهان با افکار شیخ مزبور موافقت نداشته و اظهارات او را به طور ساده تلقی می‌نموده. لذا کفیل شهربانی راجع به محاکمه مشارالیه و یا اینکه مدتی شغل مستقل به او واگذار نشود از ستاد ارتش کسب تکلیف نموده.

منوط به امر و اراده سنیّه شاهانه است.

فرمودند: «اگر واقعاً در تعمد مقصر نیست به قدر غفلت تنبیه و

الا باید محاکمه شود.» ۱۴/۱۱/۱۵

سند شماره ۳۸

تغییر لباس و کشف حجاب / ۵۰۰



وزارت جنگ
ستاد ارتش

یہ سیدہ حضرت عائشہؓ

باب مرسله حروف و اعداد
که ششم تجربه است با تجربه
ذکر شود

تفاوت در کیفیت : عصب و ریه در غده شش و ریه در شش است و این شش در غده شش است و این شش در غده شش است

دہم کہ : حقیقۃً بطریق عینی ہمارے وقت پرست و بدست سبکی شایہ فردی ہر دم و ہر سہوگہ بود۔۔۔

چند بابت است که در این کتاب مذکور است :

چنین ناپست الهی بر نه حکم است که :

حق داریت برکت فضل بر نه داری ، بعد از تحقیق و در بهر گاه ، برین سخن شریانی اصفهان ، باطنیج سر بر نه گشت

بدرستی

بدست او تفسیر نمید.

فان كان ثوبه راجحاً كان ثوبه يميناً وان كان خسراناً كان ثوبه شاملاً

مردم بهر دوام و تداوم

و من بعد از آنکه در آنجا رسید و در آنجا رسید و در آنجا رسید

18/11/14

۶۵۲۱
نمره قبال
نمره
کارن
طوبیه

ارکان حرب کل قشون

مدرسه - مدرسه
مدرسه - مدرسه

ارکان

کندوان

مفت ۲۲۶۹۴
۸/۷/۱۴

امامان و ...
...
...

کنیر

۱۱/۱۱



فوری محرمانه

نمره ۱۷۴۷
۱۴/۱۱/۲۶

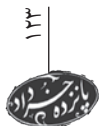
کفالت ستاد ارتش

حسب الامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ابلاغ می نماید سابقاً رایبرتی از فرمانده تیپ اصفهان به عرض رسیده است که شیخ حسینعلی راشد مأمورین دولتی را اغفال و اظهارات بی رویه نموده است. و امر به توقیف او صادر گردیده، قدغن فرمایید رایبرتی را که فرمانده در این خصوص داده اند و سوابقی را که این امر دارد به دفتر مخصوص اطلاع بدهند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا]

با مراجعه به سابقه امر اطلاع لازم فوری داده شود



سر محمد

کارت دربارش

۱۷۴۷
۱۲/۱۱/۱۳۰۰

مجلس امیرسلطان حضرت امیر شاهان جهانگیریه
از قاضیه قاضی محمد بن علی است
خلفه و امارت بر توبه است و در بر توبه او را
توبه قاضی را بر توبه او را قاضی و در بر توبه او را
و این امر در روز بر توبه قاضی محمد بن علی است
۴۰

و بر توبه قاضی محمد بن علی است
والله اعلم بالصواب



نمره ۶۶۷۶

مورخه — ماه ۱۳۱

نمره قبل —

ارکان حرب کل فئون

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۱/۲۱

مسوده تلگراف
کتبی

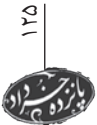
کارتن
دومیه

محرمانه - مستقیم

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به مرقومه نمره ۱۷۴۷ اینک هفده ورقه دوسیه مربوط به شیخ حسینعلی راشد
۱۴/۱۱/۲۱
واعظ را که فعلاً در اصفهان توقیف می باشد، عیناً برای ملاحظه آن دفتر تلواً ارسال می دارد که از
سوابق امر استحضار حاصل و پس از رفع احتیاج اعاده فرمایند.

کفیل





سند شماره ۴۱

تصاویر اسناد

نمبر ۶۵۷۲
جزء قبل
تاریخ ۱۳۰۱
لارین
نوسید

(فما)

ارکان حرب کل قشون

موردت ۱۲۱
شبه ۱۷-۱۸
موردت ۱۲۱
شبه ۱۷-۱۸

در دست قشون

کشف بر وجه ۱۷ ۴۷
۱۳۰۱/۱۱/۲۱

در دست قشون

در دست قشون

در دست قشون

کشف

محرمانه

کفالت ستاد ارتش

نمره $\frac{۱۷۶۸}{۱۴۸۱/۲۶}$

با ارسال عین دوسیه راجع به شیخ حسینعلی راشد، حسب الامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ابلاغ می نماید که به فرمانده تیپ اصفهان مرقوم دارید که بی تکلیف ماندن شیخ مزبور در حبس مقتضی نیست، بوسیله تبعید مشارالیه از اصفهان به محل مناسبی یا به نحو دیگر که صلاح بدانند، زودتر تکلیف او را معلوم نمایند^۱.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا]

با مراجعه به سابقه امر، به امثال امر مبارک فوری اقدام شود

۱- این دستور توسط ستاد ارتش به کفیل تیپ ابلاغ می گردد، کفیل تیپ اصفهان (سرهنگ سطوتی) نیز شهرستان کرمان را برای تبعید شیخ حسینعلی راشد پیشنهاد می کند، ولی معلوم نیست به چه علت تصمیم رضاخان تغییر کرد. دستور می دهد که در اصفهان تحت نظر بماند. (سند شماره ۴۳ به بعد).



سند شماره ۴۲

تغییر لباس و کشف حجاب / ۵۰۲

محمّد

کتابخانه دارش

بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی
بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی
بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی
بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی
بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی

۱۷۶۸
۱۲/۱۱/۱۲

بجای من در به راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی راجع به منشی

شماره ۱۶۹۹

مورخه — ماه ۱۳۲۶

شماره قبل ۱۶۹۸/۲۶

مستاد آرشیف

صفحه —

تاریخ —

کتاب
دوبه

اصفهان

کفیل تیپ

حسین‌الامر مبارک چون بی تکلیف ماندن شیخ حسینی را شد در حبس مفتضی نیست
بایستی بوسیله تبعید^۱ مشارالیه از اصفهان به محل مناسبی یا نحو دیگری که اقتضا داشته باشد.
زودتر تکلیف او معین گردد. فوراً نظریه آن تیپ را برای عرض راپرت به پیشگاه مبارک اطلاع
دهید.

سرلشکر ضراغی

رمز شریف

۱- تبعید افراد و مخالفین رضا شاه و اقدامات او یکی از شیوه‌های رایج و عادی زمان رضا خان شده بود. به
طوری که در اثر کثرت تبعیدشدگان و البته کنترل رفت و آمدهای بین شهری، برای مسافرت از شهری به
شهر دیگر باید پروانه مسافرت اخذ می‌شد و گرنه اجازه رفتن را صادر نمی‌کردند و این وضع تا سقوط رضا
خان و ورود نیروهای متظفین به ایران ادامه داشت. و بالاخره سر پاس رادسر رئیس شهربانی وقت سا
انتشار اعلامی در روزنامه‌های کثیرالانتشار دستوری به شرح زیر صادر می‌گردد:
«برای رفاهیت حال عامه و برای اینکه مردم در مواقع مسافرت گرفتار پروانه مسافرت نباشند از سوم مهر
۱۳۲۰ صدور پروانه مسافرت را مطلقاً اعلام کرده و مردم می‌توانند در داخل کشور بدون پروانه مسافرت
نمایند. بدینحال آن پاسگاههای جاده‌های اطراف تهران که مخصوصاً برای بازرسی پروانه مسافرت
مسافران تأسیس شده بود برچیده شد و از آن روز به بعد دیگر در بین راهها پلیس مطالبه پروانه مسافرت از
کسی نمی‌کرد. (ر. ک: پلیس خفیه ایران، مرتضی سیفی قمی تفرشی، صفحه ۲۲۲).

کشف تلگراف پپ اصفهان

اسم کشف کننده سروان ارفه

نمره وارده ۶۸۶۰

(ارکان حرب کل قشون)

تاریخ وصول ۱۳۱۴/۱۱/۲۷

تاریخ اصل ۱۱/۲۷ ماه ۱۳۱۴

مرموزات

تاریخ کشف ماه ۱۳۱

تاریخ مخابره — ماه ۱۳۱

مرجع

۳۰۲

کفالت ستاد ارتش

عطف به امریه نمره ۶۷۹۹ به نظر فدوی چون شیخ راشد جوان و سن او اقتضا دارد، جواز
عمامه او اخذ [شود] و به کرمان که وضعیت روحیه اهالی آنجا مناسب تر به نظر می آید تبعید و در
آنجا تحت مراقبت، به شغل دیگری مشغول گردد.

نمره ۶۱۷-۱۴/۱۱/۲۷

سرهنک سطوتی

عیناً به شرف عرض رسید. فرمودند: «عمامه او را بردارند و در همان اصفهان بماند.»

۱۲/۱۱/۲۸

کشف تکالیف و ...
 اسم کشف کننده ...
 تاریخ وصول ...
 تاریخ اصل ...
 تاریخ مغایره ...
 هر موزات ...
 تاریخ ...

کفالت ...
 ...
 ...
 ...

۹۱۷ / ۱۴ / ۱۱ / ۲۷

...
 ...
 ...



نمره ۶۸۲۰

ستاد ارتش

مورخه — ماه ۱۳۶۱

نمره قبل —

ضمیمه —

تاریخ ۱۴/۱۱/۶۸

مسوده
تذکرات
کتبی

کارتن
دوسیه

اصفهان

کفیل تیپ

عطف به نمره ۶۱۷ مراتب از شرف عرض گذشت. مقرر فرمودند. «عمامه شیخ
حسینعلی راشد را بردارند و در همان اصفهان متوقف باشد.» دستور لازم به اداره شهربانی نیز
صادر گردید.

سرلشگر زرغامی

رمز شود



سند شماره ۲۵

۵۰۳ / تصاویر اسناد

شماره ثبت	۶۸۱۳
تاریخ ثبت	۱۳۸۵
تاریخ	۱۴/۱۱/۱۳۸۵
محل ثبت	تهران

ستاد ارتش

معمود کتبی
معمود کتبی
معمود کتبی

لصحنه

تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۴ درج در دفتر ثبت اسناد

تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۴ درج در دفتر ثبت اسناد

در دفتر ثبت اسناد

۱/۱۱

به تاریخ ۱۴/۸/۲۸

نمره ۲۵۵۴۴

وزارت داخله

اداره کل شهرستانی

اداره

دایره

موضوع

محرمانه

ریاست ستاد ارتش

عطف به ابلاغ مطاعه نمره ۴۸۵۴
۱۴/۱۱/۲۸
شیخ حسینعلی راشد با برداشتن عمامه و پوشیدن لباس متحدالشکل در اصفهان متوقف و تحت نظر شهرستانی آنجا قرار گرفته است.

کفیل اداره کل شهرستانی

[امضا]



منازح ۱۵۱

نمبر ۲۵۴۴

ضلع - - - - -



وزارت داخله

اداره کل شہربانی

محرم

ہے۔ سنا کر اس

عطف بر اینجمله (۲۰۰۴) ۱۳/۱/۵۹

نه، اینست بستر منم بکمر، چون مرقد است نعلینم

کوشه بهیسه



نمره ۶۸۵۴

نمره قبل —

ستاد ارتش

مورخه — ماه ۱۳۱

تاریخ ۱۴/۱۱/۲۸

ضمیمه —

کارت:
دوسیه

محرمانه - مستقیم

کفیل اداره شهربانی

تعقیب نمره ۵۴۸۸ اعلام می دارد: حسب الامر مبارک مقرر است، عمامه شیخ حسینعلی
۱۴/۹/۱۵
راشد را برداشته و تحت نظر شهربانی در اصفهان متوقف باشد. علی هذا مقتضی است قدغن
فرمایید، به امتثال امر مبارک دستور لازم به شهربانی اصفهان صادر و از نتیجه ستاد ارتش را
مسیوق نمایند.

کفیل



۶۸۵۴
۱۴
۶۸۵۴
۶۸۵۴
۶۸۵۴

مشاد ارتش

مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی

مورد کتبی

مورد کتبی

مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی

مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی

مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی

مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی
 مورد کتبی

سند شماره ۴۶

تغییر لباس و کشف حجاب / ۵۰۴

وزارت جنگ

مورخه ۲/۲۲ ماه ۱۳۱۶

تیپ مختلط مستقل اصفهان

ضمیمه

قسمت مرموزات

شماره ۵۹

محرمانه مستقیم

ریاست ستاد ارتش

با نهایت احترام به استحضار خاطر مبارک می‌رساند:

معطوفاً به امریه رمز مورخه ۱۴/۱۱/۲۸ راجع به شیخ حسینعلی راشد که حسب الامر مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از لباس روحانیت خارج و از وعظ و منبر رفتن ممنوع شده بود، اخیراً از تحت نظر شهربانی اصفهان خارج و از قرار اطلاع برای استخدام در یکی از مشاغل اداری و وزارت معارف به تهران فرستاده شده، و در نظر است که مجدداً با عمامه داخل در سلک روحانیت شده، به وعظ و خطابه مشغول گردد. با مراتب معروضه چون تغییر لباس اخیر مشارالیه در اثر یک رشته مذاکرات بی موردی بود که در موقع وعظ نسبت به اصلاحات جدید نموده و چنانچه در قلیل مدت به همان حالت اولیه و لباس قدیمه تبدیل یابد، در انتظار نامطلوب است. مراتب محض استحضار خاطر مبارک گزارشاً معروض گردید.

کفیل فرماندهی تیپ مختلط مستقل اصفهان

سرهنک سطوتی

[امضا]



وزارت جنگ

مورخه ۲۲/۴ - ماه ۱۳۱۹
شعبه

آلیم مختلط مستقل استغاثات
قسمت وزارت جنگ
ریاست سادارش

شماره ۵۹

بجانب احترام به ایضا فاطمه ربک برین
راج ریحان خدیجه رشید که در مطاع بارک همفرت ۱۴/۱۲
در لبر روایت خارج دوز و خط و تفریق منوع شده است از کت
برای اطمینان خارج و از قرار المطاع بر این تمام درج از من لوارا
و از دست ساد اطراف فرستاده شده و در نظر است در مورد با عا
در یک درج است سه روط و خط برعول گفته است بر من و چون
تغیر در بر عورت ریه در اثر یک رسته مذکرات به کردی که در کج
و خط است به صدمات جریحه و خالید در قیامت بهانات
اولیه و در بر عورت به در انظار و نظرات است بر این تمام
فاطمه بارک گرامی تر فرستاده که در و به جانب مختلط
ریاست سادارش



نمره ۲۹۷۷

ستاد ارتش

نمره قبل —

مورخه — ماه ۱۳۱

تاریخ ۱۶/۲/۲۹

مسوده نگارنده
کتبی

ضمیمه —

کارفرما
دوسیه

محرمانه - مستقیم

رئیس اداره شهرستانی

عطف به شماره ۲۵۵۴۴ گزارش واصله حاکی است که: شیخ حسینعلی راشد اخیراً از تحت نظر شهرستانی اصفهان خارج و برای استخدام شغلی در وزارت معارف به تهران فرستاده شده؛ مقتضی است، قدغن فرمایید از کیفیت قضیه و اینکه اعزام او به تهران مبنی بر چه اوامری بوده، ستاد ارتش را مستحضر نمایند.

کفیل



سند شماره ۴۹

تصاویر اسناد

نمره ۲۹۷۷
 تاریخ ۱۳/۴/۲۹
 کارتن
 دوش

ستان ارتش

مورث ماه ۱۴۱
 مسوده کتبی
 شریه

مقام - - - - -

رئیس دادگاه تهران
 محلفان بهشت
 ۲۵۵۴۴
 ۱۳/۱۵/۲۹
 شیخ مصطفی رادشاد و غیره که در دادگاه تهران حاضر شدند و به
 اکتلام شهادت در دادگاه رسیدگی به پرونده ایشان پرداختند -
 قاضی مستشار دادگاه قاضی دادگاه رسیدگی به پرونده ایشان
 بهم استدلال و توضیح دادند -
 نفر

اداره سیاسی

به تاریخ ۱۶/۴/۲۹

دایره

وزارت داخله

نمره ۹۹۹۸/۹۱۹۶

موضوع

اداره کل شهربانی

محرمانه مستقیم

ریاست ستاد ارتش

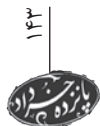
معطوفاً به نامه شماره ۲۹۷۷ حسینیعلی راشد در موقع تشریف فرمایی موکب مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به اصفهان^۱، عریضه‌ای راجع به وضعیت خود [داده] و استدعای عفو به پیشگاه ملوکانه تقدیم [کرده است]. و مطابق ابلاغیه مطاع مبارک صادره از دفتر مخصوص شاهنشاهی امر و مقرر گردید: مشارالیه به تهران آمده و چنانچه معلوماتی دارد، می‌تواند در وزارت معارف به خدمتی مشغول شود، شغلی به او مرجوع گردد که بیکار نماند. مدلول اوامر مطاع مبارک به وزارتخانه مزبور ابلاغ گردید.

رئیس اداره کل شهربانی سرپاس مختار

[امضا]

۱- رضا خان بعد از استقرار حکومتش هراز چندی به استانهای مختلف مسافرت می‌کرد. در همین رابطه در یکی از این سفرهای دوره‌ای که به همراه محمدرضا (ولیعهد) از ششم مهر ماه ۱۳۱۵ شروع کرد ابتدا به آذربایجان مسافرت کرد... مسافرت بعدی روز ۲۰ اسفند ماه ۱۳۱۵ بود که به خوزستان رفتند. روز اول فروردین ۱۳۱۶ وارد خلیج فاکور موسی گردید و از بندر جدید آن که بنام بندر شاهپور [بندر امام خمینی ره] نام‌گذاری کرده بود بازدید کرد و سپس عازم یوشهر شدند، از یوشهر به شیراز آمده سپس به طرف اصفهان رفتند. آنچه در این سند به آن اشاره شده مربوط به همین مسافرت‌های دوره‌ای او است. (ر. ک: تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، جلد ششم، صفحات ۳۲۶ تا ۳۲۸).

* * *



نمره ۳۱۲۰

ستاد ارتش

نمره قبل —

مورخه — ماه ۱۳۱

تاریخ ۱۶/۴/۳۲

مسوده تلگراف
کشی

ضمیمه —

کارت
دومیه

محرمانه - مستقیم

کفیل فرماندهی تیپ مستقل اصفهان

عطف به گزارش شماره $\frac{۵۹}{۱۶/۳/۳۲}$ اعلام می دارد: اعزام حسینعلی راشد از اصفهان به تهران به موجب امر مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده که از دفتر مخصوص شاهنشاهی به اداره شهربانی ابلاغ شده است.

کفیل

ستاد ارتش

مدرسه علم ۱۳۱
شعبه

مسود - انکوائی
تاریخ

تهران

نمبر ۳۱۲۰
تقریب
تاریخ ۱۳۳۳
کادین
دوسه

محترم - ایتم

کینر فنیتر پیر صفا

علف گزشتن شاد ۵۹
۱۳۳۳/۳/۲۵
انتم بدید :

اعززم صفا و اشد در زجهان بهران عجبیه ام

دیکتیت ایرون شادین سر دیکه که سفره کفین شادین

بدون تیرنخ اشع شده ولس

کینر

